

جوانان کمونیست ۱۰۶

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سرمدیر: مصطفی صابر

۱۸ شهریور ۱۳۸۲

۹ سپتامبر ۲۰۰۳

سه شنبه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت



پیچ بعدی، و رهبری!

مصطفی صابر

دور جدیدی از اعتراض علیه جمهوری اسلامی در راه است. وقتی مردم به کمترین بهانه اجتماع میکنند و بلافاصله با کل حکومت درگیر میشوند و علیه آن شعار میدهند، چه چیز دیگری میتوان گفت؟ همین چند روز پیش در یزد، وقتی ماموران جمهوری اسلامی که یک جوان موتور سوار را جلوی چشم مردم کشتند، با اعتراض وسیع و چند ساعته رهگزان روبرو شدند. طوری که رژیم مجبور شد با نیروهای ویژه اش اوضاع را کنترل کند. در سردشت هم مزاحمت های مزدوران رژیم با مقاومت و اعتراض مردم روبرو شد. در سمیرم چندی پیش مخالفت با تقسیمات کشوری به یک رودرویی خونین وسیع مردم شهر و رژیم اسلامی انجامید. در اصفهان چند وقت پیش وقتی کارت کنکور بخش میکردند اعتراض جوانان به اجتماع اعتراضی علیه جمهوری اسلامی بدل شد. کارگران کارخانه های مختلف در سراسر کشور از بندر عباس تا تهران مشغول جاده بستن و پیکت کردن جلوی وزارتخانه اند...

و اینها تنها شواهد رودرویی وسیعی که در پیش است نیست. به اوضاع جمهوری اسلامی نگاه کنید. تحت فشار شدید غرب چه اروپا و آمریکا قرار دارد. آنها هم فهمیده اند که این رژیم نفس های آخر را میزند، میخواهند امتیاز بگیرند و یا بالاخره به آرزوی دیرینه اشان (تقویت خط خاتمی در رژیم) نائل شوند. گو اینکه بهر حال نوشدارو بعد از مرگ دوم خرداد است، ولی جمهوری اسلامی حتی تحمل اینرا هم ندارد. جناح های رژیم به شدت به جان هم افتاده اند. «حادثه» حمله مسلحانه به سفارت انگلیس به خوبی نشان میدهد که حتی در بین خودشان هم سنگ روی سنگ بند نیست. در واقع سوت اوضاع جدید در تظاهرات های ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر زده شد. رژیم به زحمت توانست



عروسی دست خودمان بود!

نه اشتباه نکنید. این دوستان برای تظاهرات نمی روند. در یک اردوی تفریحی در هلند جمع شده اند تا بنوشند و برقصد و گپ بزنند و بموقع اش هم به حرفهای اصغر کریمی و مینا احدی گوش کنند. (صفحه ۲ را ببینید). اینهم گوشه ای از جنبش ماست. جنبشی که دو هفته قبل رهبران حزبی اش، جسورانه تر از هر فیلم هالیوودی، در ساندج بودند تا با مردم حرف بزنند، تا قدرت جمهوری اسلامی را به ریشخند بگیرند، و گرفتند. این همان جنبشی است که در یک گوشه دیگرش هر هفته دهها اعتراض و اعتصاب و جاده بستن در دستور دارد تا بتواند زندگی کند و متحد کند. در گوشه دیگرش دارد اتحادیه بیکاران و سازمان آزادی زن درست میکند و در جای دیگر علیه حجاب و مذهب مبارزه میکند و یا توسط لیبر حزبی مردم را فرامیخواند که به «کانال جدید» (یعنی شاید اولین تلویزیون ۲۴ ساعته کمونیستی در تاریخ) کمک مالی کنند. (متن کامل پیام کوروش را در صفحه ۲ بخوانید). اینها همه یک جنبش اند. برای گرفتن تصویر بهتر، نامه کوتاه

در صفحات دیگر شماره ویژه سه سالگی جوانان کمونیست:

به تلویزیون کانال جدید کمک کنید، صفحه ۲، نسل پر تعداد بی سازمان ما، از خاتمی تا ان دی پی، سخنی با آقای درخشان، صفحه ۳، ناسیونالیسم و بسیج جنگی، صفحه ۴ اظهار نظرات خوانندگان نشریه به مناسبت سومین سال فعالیت ما صفحه ۵ تا ۹، اولین سرمقاله، در سال دوم در کجا ایستادیم صفحه ۱۰، سال سوم: مصاحبه علی جوادی با مصطفی صابر صفحه ۱۱ تا ۱۳، نامه های شما ص ۱۴، لینک: کتابها و کیسه ها، و سایر آثار آیت الله! ص ۱۶

کنترل کند. اما مردم هم دیدند که رژیم به آخرین منابعش دست برده است. خود نیروهای رژیم هم دیدند که کفگیر به ته دیگ خورده است. غرب هم اینرا دید و بعد از ماجرای قتل زهرا کاظمی هر روز دارند جنایت دیگری از جمهوری اسلامی «کشف» میکنند... همه چیز، چه اوضاع بین المللی جمهوری اسلامی، چه بحران حاد درونی خود رژیم و چه تدارک یک اعتراض سراسری اند... برای دور جدید اعتراض باید آماده شد. برای ایفای نقشی به مراتب کلیدی تر از نقش مان در تظاهراتهای ۲۰ تا ۱۸ خرداد، باید آماده شد. اگر در آن تظاهراتها شعارهای ما، آزادی و برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی ظنین وسیعی افکند و ما بعنوان یک رهبر قد برافراشتیم، اینبار باید رهبری را بدست گیریم!

هلند و فراموش نکن!



جمال زمانی

هر کس ندونه فکر میکنه اونجا چه خبر شده که قراره این بابا هلند رو فراموش نکنه!...

نون و حلوا خیر کردن؟ بلیطش برده؟ سیاستمداراش با اوپاش اسلامی قطع رابطه کردن؟ یا دارن با پناهجویان انسانی رفتار میکنن؟ یا نه شایدم این بابا که هلند و فراموش نمی کنه، شاید گلوش پیش کسی گیر کرده؟!...

اما جونم براتون بگه که هیچ از این خبرها نیست. در داره رو همون پاشنه سابق می چرخه. نه من به مال و متالی رسیدم، نه سیاست مداران هلندی دستشون رو از دستهای خون آلود جانیان اسلامی در آوردن و نه زیر پای پناهنده ها فرش قرمز انداختند، ونه... بلکه:

صحبت از باغی است که به نظم طراوت و شادابی تمام باغ و بوستانهای هلند رو داشت. این نشاط و سر زندگی، نه فقط از بابت چند تا درخت و گل و آب بارون، بلکه نشأت گرفته از دلهای آدمهایی بود که با امید به فردا روزگار می گذروند. جمع شدن و تفریح کردن و کمپینگ کردن این آدمها.

هر چند که این کمپینگ (اردو) به همت سازمان جوانان کمونیست، حزب کمونیست کارگری ارگانیزه شده بود، اما میشد هر گروه سنی رو اونجا پیدا کرد. از غنچه های نو شکفته ای که تازه لب به گفتن باز کرده بودن تا آدمهایی که کوله باری از تجربه رو با خودشون حمل می صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تقبل کنند. اگر خودتان این توانایی را ندارید صدای ما را به این اشخاص برسانید. در هر حال هر مبلغی هرچند کوچک هم ما را در این پروژه کمک خواهد کرد.

کمکتان را از طریق هریک از شماره حسابهای زیر و یا توسط کارت اعتباری (credit card) بدست ما برسانید. لطفا کپی قبض پول واریز شده به حساب و یا فرم کارت اعتباری پر شده و امضا شده را به آدرس ما ارسال کنید. ما لیست کمکهای دریافتی (با نام واقعی تا مستعار) را منظمآ اعلام خواهیم کرد.

برای هر آزادیخواهی، برای هر انسان سوسیالیستی و برای هر انسان شرافتمندی باید روشن باشد که جامعه ایران به نقطه تعیین تکلیف قطعی بین راست و چپ نزدیک میشود. چرخیدن جامعه به چپ مسئله همه ما است. به این پروژه، که رکن لازم این چرخش جامعه به چپ است، باید کمک کرد. این فرصت دوبار به ما داده نمیشود.

دستتان را میفشارم
کوروش مدرسی
۲۹ اوت ۲۰۰۳

برای دریافت فرم ارسال کمک مالی و همچنین شماره حساب به سایت روزنه مراجعه کنید. جوانان کمونیست.

امروز فضای تصویری در مقابل جمهوری اسلامی در ایران تقریباً در انحصار اپوزیسیون راست است. چپ جامعه نمایندگی بسیار محدودی میشود. اما امروز میتوان این انحصار را شکست. حزب کمونیست کارگری در کار ایجاد یک تلویزیون ۲۴ ساعته برای ایران است. تلویزیونی که درهای حقیقت را بروی مردم باز نگاه خواهد داشت و سیمای انسانیت، سیمای برابری طلبی و آزادیخواهی در تحوّل که پیش رو داریم خواهد بود.

در این راه ما به کمک احتیاج داریم. راه اندازی این تلویزیون محتاج سرمایه‌گذاری اولیه‌ایست که از امکانات حزب، به معنای اخض آن، خارج است. ما به کمک همه شما انسانهای برابری طلب و آزادی خواه که حزب کمونیست کارگری به معنای اعم آن هستیید احتیاج داریم.

برای راه‌اندازی این پروژه، که به اعتقاد من جایگاه چپ را در سیاست ایران را تغییری عمیق و پایرجا خواهد داد، ما مبلغی حدود ۹۰ هزار پوند استرلینگ (حدود ۱۴۰ هزار دلار) کم داریم. این رقم را ۵۰ نفر که هریک بتوانند چیزی حدود ۲۰۰۰ پوند به این صندوق کمک کنند میتوانند تامین نمایند. این اگر موجودی نقدی شما نیست میتواند وامی باشد که باز پرداخت آنرا شما تقبل کرداید. اطمینان دارم که تعداد انسانهای آزادیخواه بسیار بیشتری از این هست که میتوانند این مبلغ را



کوروش مدرسی لیدر حزب کمونیست کارگری

هرجا که سرکوب و زندان هنوز لازم نباشد، قطر کیف پولتان و تعداد صفرهای تراز حساب بانکی‌تان دامنه حقتان در توضیح دنیا و ترسیم واقعیت را تعریف میکنند. و این دامنه برای بشریت متمدن جهان ما چقدر تنگ و محدود است. دنیا را دارند سرکوب‌گران امروز و زندانبانان فردا برای مردم ترسیم میکنند.

رساندن تصویر و صدای انسانیت، آزادیخواهی، حقیقت و برابری طلبی به مردم در ایران شرط لازم تبدیل شدن به افقی است که جامعه خود را با آن تداعی می‌کند. گفتم مردم ایران در سرنگونی جمهوری اسلامی چپ یا راست جامعه را انتخاب خواهند کرد. اینکه کدام یک از این دو انتخاب شوند اما تنها مسئله حزب کمونیست کارگری نیست. مسئله کل جامعه است. مسئله هر انسان آزادیخواه و برابری طلب است.

تصویر و صدای حقیقت را به مردم برسانیم! به تلویزیون «کانال جدید» کمک کنید!

تصویری که در مقابل مردم قرار داده میشود و حرفی که به گوش مردم رسانده میشود بیش از هرچیز سیاسی است و دنیائی که مردم باید بخوانند و حقی که در زندگی دارند را برایشان تعریف میکند. امروز، در قرن بیست و یک، قدرت رسانه‌های ارتباط جمعی و بویژه تلویزیون ابعاد شکفت انگیزی یافته است. اطاق نشیمن و خواب همه تبدیل به صحنه دائمی جدال بر سر ترسیم واقعیت و غالباً تحریف آن شده است. از این عرصه بیش از هرکس دست جنبش انسانیت، جنبش آزادیخواهی، و بشریت متمدن کوتاه است.

هرجا که لازم باشد دست ما را با سرکوب و خفقان با کشتار و زندان از این ابزار کوتاه میکنند. سرکوب آزادی بیان درست همین خاصیت را دارد. اگر در ایران میشد تضمین کرد که از پشت رادیو تنها صدای خامنهای و خاتمی را میشنود و اگر میشد تضمین کرد که روی صفحه تلویزیون تنها چهرهای نورانی این دو سید را میبینید نه سرکوب آزادی بیان لازم میشد و نه پارازیت فرستادن روی آنتن رادیو و تلویزیون.

ایران در آستانه بزرگترین تحوّل تاریخ خود است. جمهوری اسلامی با انقلابی ضد مذهبی، زنانه و جنبش خلاصی از عقب ماندگی فرهنگی و شرق زدگی روبرو است. جمهوری اسلامی رفتنی است سؤالی در این نیست. سوال این است که چه دولت و چه ارزشهایی جایگزین دولت و ارزشهای اسلامی آن میشود؟ پاسخ به این سوال سهمی که نسل ما و نسلهای آینده از زندگی خواهند داشت را تعیین میکند. معلوم میشود که آیا برای چندین و چند نسل دوباره خفقان و استثمار، فقر و سرکوب سهم مردم از زندگی است یا برای همیشه از شر همه اینها نجات پیدا خواهند کرد.

روشن است که تعیین تکلیف بین راست و چپ در تحوّل در حال شکل گیری ایران را سیاستی که بر جامعه تسلط پیدا میکند تعیین میکند. سوال این است که جامعه خود را با کدام پرچم و کدام سیاست تداعی خواهد کرد. با راست یا با چپ؟ سیاست، اما، بدون دسترسی به مردم معنائی ندارد. زیباترین حرفها اگر به گوش کسی نرسد نا گفته مانده است.



راست: عکس یادگاری! بالا: کمی هم سیاست، مینا احدی و اصغر کریمی پشت میز خطابه، پایین: رقص و پایکوبی



از صفحه ۸

هلند و فراموش نکن

تحولات سیاسی جاری در ایران به جمع حاضر شور و انگیزه و تحرک بیشتری دادند. به سئولات حاضرین جواب دادند. راستش بحثی که اصغر راجع به اینکه چرا باید عضو حزب کمونیست کارگری شد برام آقدر گیرا بود که اگر عضو حزب نبودم حتما همانجا برگ عضویت رو پر می‌کردم. قطعاً مباحثی از این دست، از طریق رادیو و تلویزیون حزب، برای مردم داخل کشور قابل پیگیری است.

لحظه‌های آخری که می‌خواستیم به اتفاق همراهم به طرف آلمان حرکت کنم خیلی سنگین بود. راستش تلخ ترین قسمت ماجرا بود. هر کلام از بچه‌ها رو که در آغوش می‌گرفتم یا دستشون رو می‌فشردم، در یک مدت زمان کوتاه تو قلبم رد پای

کردن. راجع به هر موضوعی حرف زدیم. دور آتش حلقه زدیم و جوک گفتیم. شب‌ها بعد از شام وقت دیسکو، پیر و جوان دست تو دست همدیگر دادیم و رقصیدیم. فضا آقدر گیرا بود که «اولفی» زن هلندی، با اینکه همون ساکتی بود شروع به کردی رقصیدن کرد. اول کار قرار بود همه در شستن ظرفها همکاری کنند اما یکی بچه‌ها همه چیز و تقبل کرد و هیچ کس حتی اجازه فکر کردن در این مورد رو نکرد. از اینها که بگذریم وجود دو عزیز دیگه، گرمی خاصی به محفلمون داد. اصغر کریمی و مینا احدی تو یک فرصت کوتاه راجع به



کردم، به ذهنم رسید به جوری از این همه صفا و صمیمیت تشکر کنم. در پایان از صمیم قلب برای تمامی دست اندرکاران این همایش آرزوی سلامتی و پیروزی را دارم.

ماشین بشم که بچه‌های میزبان چشم‌های اشک‌آلودم رو نبینند. تو ماشین داشتم از بابت پر توقع بودن، خودم رو سرزنش می‌کردم. خلاصه بعد از اینکه خودم رو جمع و جور

از صفا و صمیمیت گداشته بودند. از اینها گذشته شیرین زبونی‌های به دختر کوچولو سنگینی این فضای جدا شدن از هم دیگه رو برام دو چندان کرده بود. نفهمیدم چطور سوار

از خاتمی تا ان دی پی! صحبتی با آقای درخشان در فاز جدید



مصطفی صابر

آقای درخشان! کمی دیر شاید، ولی لازم است چند نکته در باره نوشته تان ((نسل پرتعداد ولی بی سازمان ما))، ویلاگ سردبیر: خودم، ۲۹ آگوست ۲۰۰۳)) با شما در میان بگذارم.

تا آنجا که نگاه بحث های شما را دنبال کرده ام این نوشته قدمی دیگر در سیر تحول شما است. چند ماه پیش بالاخره دندان توهم به خاتمی را رسماً کشیدید و رای خود را پس گرفتید. حالا دارید از این صحبت میکنید که اگر ((جمهوری اسلامی وجود نداشته باشد)) کی قدرت را میگیرد و چه بر سر ((نسل پرتعداد)) جوان میبرد. پس شما هم به فکر اوضاع بعد از جمهوری اسلامی افتاده اید! طبق معمول دیر، حتی با درجه ای اکراه، ولی چه خوب. تظاهرات های ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر (که یاد هست شما آنها را نالزم و مضر میدانستید) گویا مساله نبود جمهوری اسلامی را برای شما هم مطرح کرده است. همچنین دارید از ناپلیدی های نسل جوان در زمینه سازمانیابی و مبارزه حزبی صحبت میکنید. از اینکه باید یاد گرفت امور را ((کم کم)) چرخاند. (راستی چرا کم کم؟!)) دارید اعلام میکنید که پدران و مادران نسل شما اسم «حزب» که می آمد مرگ جلو چشمان می آمد. شاید برای اولین بار شاید دارید به این مساله شناخته شده توجه میکنید که منش ضد حزبی معمول در ((روشنفکران ایرانی)) و آن افتخار بلاهت آمیز به اینکه ((من با هیچ حزبی)) نیستم، در واقع فقط تقدیس عقب ماندگی اجتماعی و سیاسی و محصول استبداد زدگی شرقی است. حالا شما دارید رهنمود میدهید که برای اینکه سهمی از آینده داشته باشیم باید حزب و سازمان داشته باشیم. و میخواهید از ((ان. دی. پی.)) (در واقع حزب سوسیال دمکراتیک کانادا) درس حزب و مبارزه حزبی بیاموزید! شما که روزگاری سعی میکردید زیاد به سیاست نپردازید حالا ببیند که خودتان یک پا «پلی تیشن» شده اید! حقیقتاً این سرنوشت نسل شماست. نسلی که برای آب خوردن و خندیدن و لباس پوشیدن و دوچرخه سواری کردن هم میجور است سیاسی باشد، چه رسد به ویلاگ نویسی و حرفی برای چند هزار خواننده داشتن!

از خاتمی تا «ان دی پی» اما با اینهمه دارید از توهم اصلاحات خاتمی به توهم جدیدی در می غلتید: توهم سوسیال دمکراسی! شما میخواهید در ایران دمکراسی برقرار شود، میخواهید بین حکومت و مردم شکاف نباشد، میخواهید امور را همین نسل جوان اکثریت بچرخاند، همه اینها تمایلات شریف

و انسانی است. اما همانطور که دخیل بستن به امام زاده خاتمی کاری نکرد، تصور اینکه در ایران پارلمان و مبارزه پارلمانی به شیوه کانادا برقرار شود و امثال شما در حزبی مثل حزب ان دی پی متشکل شوید و «سهمی» در چرخاندن امور داشته باشید، به هماندرجه رویایی و اشتباه است. (فعلاً بماند که جوان کانادایی سهمی در چرخاندن امور ندارد. ولی لااقل او میتواند حرف بزند، تظاهرات کند و از این لحاظ دخالت کند). راستش را بخواهید این رویاهای دمکراتیک و سوسیال دمکراتیک ایرانی نهایتاً چیزی بیشتر از همان اصلاحات خاتمی (منهای اسلامیت آن) از آب در نخواهد آمد. قبلاً در همین نشریه با شما بحث کرده ایم که دمکراسی غربی در ایران پایه مادی ندارد. یعنی سرمایه داری ایران نمی تواند حتی تحمل پارلمانهای سوئد و کانادا را بطور پایداری داشته باشد. اگر هم تحت فشار مردم و انقلاب و چپ و خلاصه اعتراض از پایین برای دوره کوتاهی به پارلمان یک ذره جدی و واقعی (حتی به همان تعبیر کانادایی) آن هم رضایت بدهند، بلافاصله به مجرد اینکه مردم به خانه هایشان بروند (و این حکمت همان دوره کوتاه پارلمان است) آونقت استبداد سیاسی بی چون و چرای سرمایه (بدون لافها دمکراسی غربی) با ساواک و ساواما سر کار خواهد آمد. بنا بر این از اسباب و ادوات دمکراسی غربی تنها ارتش و پلیس اش در ایران پیاده شده و واقعی است و پارلمان و مبارزه انتخاباتی و آزادی احزاب و مبارزه حزبی همه صوری و باسهمه ای بوده و خواهد بود. درست همانطور که احزاب قانونی دوره شاه بودند. درست همانطور که حزب مشارکت هست، لذا غایت توهم سوسیال دمکراسی ایرانی همین حضرت شیخ اجل آقای خاتمی بدون ریش و عمامه خواهد شد. یعنی حداکثر نق «دمکراتیک» و «مردم سالار» و «اصلاح طلبانه» بر اصل استبداد حاکم! (حال به شکل ولایتی، سلطنتی، جمهوری نوع ترکیه آن). مضحکه ای که تنها در دوره تاریخی معینی (وقتی که مردم از اوضاع ناراضی اند و تغییرات عمیق را می طلبند) ممکن است بروز کند. و ما درست در بحبوحه یکی از همان دوره های تاریخی قرار داریم.

ویدئو گیم جدید: مانستر مجاهد! شما برای اینکه این توهم سوسیال دمکراتیک را برای خودتان هضم کنید، احتیاج دارید که واقعیت های مسلم جامعه امروز ایران را وارونه نگاه کنید. (متأسفانه به همان روشی که به خاتمی نگاه کردید و عمری را در سوت زدن و هورا کشیدن برای او

نسل پر تعداد و بی سازمان ما

حسین درخشان
http://i.hoder.com

«حزب» چیزی جز خاطره هایی تلخ از جوانی از کف رفته و دوستان از دست رفته شان در ذهن نمی آوند. در نتیجه از همان بچگی روند انتقال تجربه سیاسی را به فرزندانمان قطع کردند و شدیم آنچه که می بینید. پر از انرژی و اعتراض ولی بدون کمترین اثر مستقیم. فقط گاهی بلدیم برویم رای بدهیم و همین. البته خود دولت هم سهم داشته که هرگز اجازه شکل گرفتن گروههای سازمان یافته دمکراتیک سیاسی را نداده ولی این به نظر من فرع بر آن چیزی است که گفتم.

برای همین جالب است که وقتی گروههای نسبتاً سازمان یافته اپوزیسیون را می بینید همه از همان نسل جوانان قدیم هستند و نفوذشان هم اغلب در بین هم سن و سال های خودشان است. سلطنت طلب ها، جمهوری خواهان و بقیه هیچکدام در بین جوانان پایگاه اجتماعی ندارند و در نتیجه بقول پدرام اگر حکومت عوض شود باز همان ها سرکار می آیند و مملکت را می چرخانند، نه مایی که در اکثریتیم و به قاعده باید بخش بزرگی از امور را کم کم بچرخانیم. به همین دلیل باز شکاف بین و مردم و حکومت حفظ خواهد شد، چون اکثریت نقشی در تصمیم گیریهای اصلی نخواهد داشت.

حالا پدرام که تجربه سیاسی خوبی از کار کردن در حزب (ان. دی. پی) (حزب نومدکرات ها) را دارد میخواهد فردا در تورنتو در همین باره صحبت کند و ما را تشویق کند که برویم و عضو گروههای سیاسی کانادای شویم و یاد بگیریم که دمکراسی در عمل یعنی چه و سیستم سیاسی مبتنی بر حزب های سیاسی چطور عمل میکند. (و بعد آدرس سخنرانی را داده است.)

«با پدرام معلمیان دو سه ما پیش که آمده بود تورنتو حرف میزدیم راجع به همه چیز و رسیدیم به اینکه آینده ایران چه میشود و اینها. پدرام میگفت که نسل جدید ایران هیچ چیز از فعالیت سازمان یافته سیاسی نمی داند و برای همین اگر فرض کنیم که یک شب بگویند دیگر جمهوری اسلامی وجود ندارد، به احتمال زیاد تمام مملکت سریع به دست مجاهدین خلق یا امثال آن می افتد و تمام. او (معلمیان) میگفت اینها اینقدر در این جور کارها قوی و بی نقص اند که با وجود تعداد کمشان میتوانند به راحتی هر کاری بکنند. این البته وجه بیشتر امینی گروههای سازماندهی سیاسی است که الزاماً چیزی نیست که ما در آن ضعیفیم. ما اصولاً در بخش مدیریتی و سازمانی سیاسی هم شدیداً ضعیفیم. به عبارت دیگر معنی عملی دمکراسی را دقیقاً نمی دانیم چیست و هیچ وقت نمونه خوبی از آن ندیده ایم که بخواهیم از آن الگو بگیریم. مثلاً فرض کنید قرار می شود یک حزب یا سازمان سیاسی راه بیندازیم. اغلب مان اصلاً نمی دانیم باید از کجا شروع کنیم. چطور عضو بگیریم، چطور اعضا را در تصمیم گیری ها بطور دمکراتیک شریک کنیم، چطور مبارزه انتخاباتی کنیم، چطور پول برای کارهایمان جمع کنیم و...»

دلیل اینکه چرا این تجربه از نسل قبل به نسل ما نرسیده تا حد زیادی مشخص است. جمهوری اسلامی آنقدر هزینه ی فعالیت سیاسی غیر توده ای - یعنی غیر هیاتی - را در اوایل دهه ۱۳۶۰ بالا برد که نسل پدران و مادران ما با شنیدن کلمه ایفاء خواهند کرد؟ چرا جامعه و تحولات اجتماعی به نوعی «ویدئو گیم» و جنگ هیولاهایی که گویا هر جور بخواهند و اراده کنند سیر تحولات اجتماعی را کنترل خواهند، تقلیل می یابد؟ آیا هیولا تر از جمهوری اسلامی هم داشتیم؟ چرا این رژیم با همه تلاشهایش برای بقا با همه کشتارها و تحقیق ها و سید خدانش هایش با اینجا رسیده که شما هم خوشبختانه برایش فاتحه میخوانید؟ چه نیرویی آن را به اینجا کشاند؟ چطور آن نیرو به هیچ و پوچ تقلیل داده میشود و یکهو مجاهدین خلقی که بیچاره ها خودشان در معادلات دیپلماتیک و بند و بست های آمریکا و اروپا و جمهوری اسلامی گیر افتاده اند و بود و نبودشان زیر سوال است، به مانستر

بازی ویدئویی جدید امثال آقای پدرام معلمیان ارتقاء می یابد؟ اگر این هیولا و مانستر سازی از مجاهد ریشه ای در واقعیت داشته باشد، قهرمان سازی مقابل آن یعنی توهم ایفای نقش حزب ان دی پی در آینده ایران، سرتا پا خیالی و یک فیکشن وطنی است و بس. وقایع دارد طور دیگری سیر میکنند.

چه اتفاقی دارد می افتد؟ شما آقای درخشان، و بسیاری جوانان پر شور و «پر اعتراض و بی سازمان» ایران، که آزادی میخواهند، زندگی انسانی میخواهند، حرمت و احترام و ایفای نقش فعال و شرافتمندانه در حیات اجتماعی را میخواهند، به اشتباه به غافله دوم خرداد دل خوش کردید. حالا که ساربان این غافله

از صفحه ۳ از خاتمی تا ان دی پی!

شما را یک دور حسابی چرخانده و دست آخر از بیت آقا سر در آورده است، برای تحقق آرزوهایتان، همان زندگی مدرن، مرفه و انسانی، دارید خیال می‌بافید که خوب سوسیال دموکراسی غربی را به ایران خواهیم آورد. این دیگر کثافات اسلام را هم با خود ندارد. ولی بطور واقعی پایه مادی این خیال‌بافی در ایران همان هم غافله ای های خاتمی است که او به ایشان «خیانت» کرد. همان کسانی که عمری برای خاتمی به به چه چه گفتند و این روزها مایوس و دپرس انواع و اقسام انتلافهای «جمهوری خواهی» راه انداخته اند. شما در واقع در همان غافله دوم خرداد سیر میکنید با این تفاوت که اینبار ساریانی هم در کار نیست. این آقایان جمهوری خواهان جدید (که تازه آزادیخواه ترنیشان به توهم سوسیال دموکراسی ایرانی روی می آورند) همانطور که در دوره خاتمی ما بارها و بارها گفتیم، جایی در آینده ایران ندارند. سرمایه داری ایران سرمایه داری سوسیال دموکراتیک و دموکراتیک نخواهد بود. در تقسیم کار جهانی سرمایه، ایران (لااقل تا اطلاع ثانوی) جزو بازار نیروی کار

انسانی اش جدی است، باید اینرا ببیند که لازم است از چهارچوب سرمایه داری عبور کرد. آزادی و حتی دموکراسی (که تعبیر محدود بورژوا از آزادی است) در ایران سرمایه داری متحقق نخواهد شد و دوام پایدار نخواهد داشت. بنا بر این جدال بر سر آزادی و انسانیت در جامعه ایران تنها میتواند جدال بر سر نابودی سرمایه داری و جایگزینی آن با مناسباتی باشد که علاقه ای به حفظ سرمایه، حفظ بردگی مزدی و ضروریات سود آوری سرمایه ندارد. مناسباتی که لازمه اش سعادت و رفاه و آزادی همه جانبه انسان است. این کاری است که ما (حزب و جنبش کمونیست کارگری) پرچم آنرا بدست گرفته ایم. شما طبعاً مختارید که یک بار هم توهم سوسیال دموکراتیک را تجربه کنید. اما این یکی حتی به اندازه توهم دوم خرداد هم دوام نخواهد آورد. خیلی زود خواهید دید که در ایران باید بین دو جنبش انتخاب کرد. بین راست و چپ جامعه. راستی که میخواهد سرمایه داری و ملزومات ایرانی و جهانسومی آن (یعنی استبداد) را حفظ کند، با چپ جامعه که برای کسب آزادی و رفاه میخواهد از سرمایه داری عبور کند. این انتخاب در واقع فی الحال

و در جریان مبارزه علیه جمهوری اسلامی آغاز شده است. همان «جوانهای معترض و پرتعداد و بی سازمان» که شما خود را نماینده آنها میدانید در خیابان هستند تا جمهوری اسلامی را بر اندازند و راست جامعه میکوشد با شعارهایی مثل «رفراندم» جلوی آنها را بگیرد. در عوض چپ، «آزادی و برابری» و «مرگ بر جمهوری اسلامی» را مطرح میکند. این شعار بشدت دارد فراگیر میشود. جمهوری اسلامی دارد با شعار های چپ می افتد. پشت این شعارها و میلیونها آدمی که آنها را تکرار میکنند، سازمان خوابیده است، ابتکار عمل توده ای خوابیده است، حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست و شوراهای دیگر ارگانهای اعمال اراده مستقیم مردم خوابیده است. نه ویدئوگیم امثال آقای پدرام (که گویی رفتن جمهوری اسلامی برایش نگرانی آور و نوعی کابوس است) بلکه این وقایع در جامعه در جریان است. خوب، مکان توهمات سوسیال دموکراتیک در این میان چیست؟ هیچ! حداکثر مجبور خواهد شد که در مقابل چپ جامعه، جانب راست را بگیرد (چون اساس سوسیال دموکراسی حفظ سرمایه است). تصور اینکه غرب و مشخصاً آمریکا

یاسخی کوتاه به مهیار ناسیونالیسم و جنگ طلبی

استفاده کرد، با (جمع کردن) بساط ناسیونالیستی کاملاً مخالفم.

مهیار خوشحال از تهران، سوالی را توسط یکی دیگر از خوانندگان ارسال کرده اند:

مهیار ارجمند!

ظاهراً دارید از ضرورت ناسیونالیسم دفاع میکنید، اما به خاطر ندارم که کسی در دفاع از ناسیونالیسم اینقدر رک و پوست کنده ماهیت ضد بشری و خون آلود ناسیونالیسم را بیان کرده باشد. امیدوارم که تو و سایر خوانندگانی که به ناسیونالیسم سمپاتی دارند از این کلمات تند من بیکه نخورند. اما اگر قرار باشد چیزی خوب باشد به این دلیل که میتوان با آن خوب مردم را به «پیشواز مرگ» فرستاد، خوب جز همان صفات لایق چیز دیگری هست؟

میدانم که فوراً بحث های دیگری مطرح خواهد شد. مثلاً اگر به یک کشور سوسیالیستی حمله شود خوب معلوم است مردم نمی ایستند و بگویند صلح صلح و اجازه بدهند زندگی اشان به آتش کشیده میشود. اما این با ناسیونالیسم که دقیقاً به درد بسیج مردم برای جانفشانی در راه میهن (یعنی بورژوازی) میخورد خیلی فرق دارد. در این مورد امیدوارم که در فرصت دیگری مفصل صحبت کنیم.

«در زمان جنگ با چه چیز مردم را پیش فرستاده و روانه میدان جنگ می کنید؟ با شعارهای تو خالی؟ هنگامی که بساط دین برچیده شد، برای به حرکت درآوردن مردم بجز وطن پرستی از چه ابزاری استفاده خواهید کرد؟ آیا جز این است که در سایر نظام های کمونیستی جهان نظیر اتحاد جماهیر شوروی یا ویتنام، سردمداران آنها تنها و تنها به وسیله تهییج احساسات وطن پرستی مردم آنها را به پیشواز مرگ فرستادند؟ اگر جمهوری سوسیالیستی مورد نظر شما در ایران برپا شود و دشمن به آن حمله کند، مردم با چه انگیزه ای از آن دفاع میکنند؟ من با تمام عقاید کمونیستها موافقم بجز یک مورد، و آن (مخالفت با) وطن پرستی و ملی گرای است. البته این را قبول دارم که وطن و ملیت و امثال آن موهوماتی بیش نیستند اما با توجه به اینکه از آن میتوان به عنوان قوی ترین عامل تهییج مردم

اما نکته اصلی به نظر من اینست که بورژوازی ابتدا جوامع بشری را بر اساس ملیت و کشور دولت ها تعریف میکند. و بعد برای منافع خود بین این مردم بیچاره ای که به ملت ها تقسیم شده اند جنگ راه می اندازد، و بعد ادعا میکند که برای اینکه هر ملتی از منافع خودش، از مرزهای خودش، از دست درازی همسایه امان باشد باید ارتش داشته باشد، باید عرق ملی و ناموس ملی داشته باشد، باید سبمل های ملی و مقدس داشته باشد، باید «احساسات میهن پرستانه» اش همیشه در حالت تحریک نگاه داشته شده باشد، باید هر آن آماده باشد تا از جان در راه وطن درگذرد. نکته کلیدی اینجاست که ملت و کشور چیزی جز وارونه شده و مسخ شده شکل وجودی جامعه بشری نیست. نا گفته نماند که کشور سازی و ملت سازی که بویژه از قرن هفده به بعد و با پیشرفت بورژوازی شکل گرفت، قدمی به جلو در قیاس با امپراطوری ها و پادشاهی های دوره فئودالی بود. اما چه بنده فلان پادشاه بودن و خراج گذار فلان امپراطور و سلطان بودن و چه شهروند این مملکت و آن مملکت بودن یعنی ایرانی و افغانی و ژاپنی بودن همه فقط اشکال گذرا و راستش وارونه هويت اجتماعی و انسانی است. ما کل این صورت مساله که انسانها را با ملیت یا قبیله و قوم و یا منطقه شان و یا حتی زبان و مذهب و جنسیت شان تعریف میکند قبول نداریم و طبعاً نتایج آنرا هم قبول نداریم. یعنی ناسیونالیست نیستیم.

موضع کلی ما در مقابل ناسیونالیسم آمده است.

در ضمن اگر کسی به جمهوری سوسیالیستی ما حمله کند، ما حتماً تمام تلاش خود را کرده ایم که چنین حمله ای صورت نگیرد. حتماً کوشش کرده ایم که وسیع ترین نیروی افکار عمومی جهانی را علیه چنین حمله ای بسیج کنیم. و کوشش خواهیم کرد تا با کمک نیروی عظیمی که به آن اتکاء داریم، یعنی بشریت آزادیخواه، سد دفاعی محکمی در برابر چنین دست درازی قرار دهیم. طبعاً اگر لازم به دفاع باشد فکر میکنم همان مردمی که آزادی را دوست دارند و برابری میخواهند و همین امروز دارند برای تحقق آن علیه جمهوری اسلامی میجنگند، از دستاوردهای مبارزه خود دفاع خواهند کرد. در آنجا هم در هر لحظه مساله ما زندگی و جان و سعادت انسانها خواهد بود و نه منافع ملی و ناسیونالیستی. اگر تهییج کور و خرافه ناسیونالیستی برد دارد چرا فکر میکنید انسانها برای حفظ یک زندگی شایسته بشر هرچه در توان دارند را به کار نخواهند گرفت؟ در مورد این مساله مشخص هم سخنرانی منصور حکمت با عنوان «آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود؟» را در سایت بنیاد حکمت گوش دهید.

منتظر اظهار نظر شما هستیم و امیدوارم که وقت دیگری مفصل تر صحبت کنیم.

مصطفی صابر.

ما انسان را بعنوان عضو متساوی الحقوق جامعه ای تعریف میکنیم که خود او در هر گوشه ای میتواند فعال باشد و نقش داشته باشد. ما گرچه فعلاً مجبوریم به چهارچوب های ملی و کشوری موجود جهان بورژوازی تن بدهیم اما برای دنیایی بدون مرز تلاش میکنیم. ما هیچ ربطی به کمونیسم روسی و شاخه های مختلفش نداریم. یک وجه تمایز ما با کمونیسم روسی و انواع دیگر کمونیسم بورژوازی دقیقاً در همین است که آنها همه ناسیونالیست هستند. برای مثال کمونیسم روسی چیزی جز ناسیونالیسم روسی و توجیه رشد صنعتی سرمایه روسی تحت لوای کمونیسم نیست. یا کمونیسم چینی حقیقتاً چیزی جز منافع ملی سرمایه بومی در مقابل سرمایه جهانی نیست. نهر حال ما ناسیونالیسم و میهن پرستی چه نوع چپ و رادیکال آن باشد (در دوره ای ناسیونالیسم و تشکیل ملت ها نقش پیشرویی در تاریخ ایفاء کرده است) چه راست و ارتجاعی آن (و در دوره ما ناسیونالیسم فقط میتواند ارتجاع محض باشد) را قبول نداریم. در این مورد توصیه میکنیم که اثر تاریخی حکمت که یکی از درافزوده های مهم او به سنت مارکس و لنین است به نام «ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری» را حتماً مطالعه کنید. آنجا وجود مختلف ناسیونالیسم از ملت سازی تا موقعیت کنونی ناسیونالیسم در دوره ما مورد بحث قرار گرفته شده است. برای یک مطالعه کوتاه تر میتونید به برنامه یک دنیای بهتر رجوع کنید، آنجا

جوانان کمونیست از منظر شما!



پیری جوان ۲۸ ساله! نادر بکتاش

مصطفی عزیز، نظرم را خلاصه در مورد نشریه می نویسم. جوانان کمونیست با سرعت به سمت تبدیل کامل به یک نشریه متنوع و خواندنی، گستاخ و سنت شکن، روشنگر و سیاسی و بویژه جوان پیش می رود. منظورم از این نکته آخر این است که مرتب به تعداد نویسندگان جوان آن افزوده می شود: امری که نشان دهنده افزایش خوانندگان آن علی العموم و وجود محیط مشوق و معتمد برای قلم برداشتن و نوشتن است. به نظر من جذابتر و پر خواننده تر و موثرتر شدن نشریه در گرو این مسائل است:

۱- حفظ و تعمیق هویت سیاسی نشریه. برخلاف تصور کسانی که جوانان امروز ایران را غیر سیاسی می دانند، باید گفت که آنها شدیداً هم سیاسی هستند. چگونه می شود تصور کرد که جوانی که صبح تا شب در تقابل با انواع مختلف فشارهای این رژیم اسلامی است، ناظر مستقیم فحشا و اعتیاد در محیط زندگی اش است و چشم انداز و امیدهایش برای یک زندگی بهتر ندارد، عمیق ترین نفرت ها را نسبت به این رژیم در دل نداشته باشد؟ نشریه جوانان باید این نفرت را تبدیل به آگاهی سیاسی و لزوم تشکل مبارزاتی بکند. به این منظور باید موانع مشخص ذهنی و عملی رسیدن به این هدف مشخص شوند و مورد بحث قرار گیرند. کمونیسم کارگری جوان ترین سنت سیاسی جامعه ایران است. برای رسیدن به این جایی که امروز رسیده است، مدت ها با گرایشات پیر و پاتال و فسیل شده چپ و راست ایران مبارزه کرده است. باید نحوه امتداد این گرایشات و تاثیر آنها در ذهن جوانان امروز ایران را شناخت و با آنها مبارزه کرد. پروسه انتقال «خود به خودی» میراث شوم سنن ملی - اسلامی به نسل جوان را باید در هم کوید. هیچ چیز زشت تر و پیر تر از جوانی بیست ساله که از سلطنت یا مصدق یا توده حمایت می کند نیست. باید جوانی را در ذهنیت سیاسی جامعه گسترش داد و طبعاً نسل جوان می تواند مخاطب و مدافع اصلی این رنسانس فکری - سیاسی باشد و بار اصلی آن را به دوش بکشد.

نشریه جوانان باید بیشتر به

خواندن نشریه می کنم. ۴ و ۵ را جواب نداده اند. ۶. نشریه ای است که میتواند در بین جوانان مطرح باشد. ۷. به نظر من جهت شرق بهترین جهت برای داشتن خوانندگان بیشتر است. ۸. لحن، نثر و بیان نشریه عالی است. همینطور برید جلو! ۹. شکل و شمایل نشریه خوبه. ایرادی که میتونه داشته باشه اندازه حرفها کوچک است و خوانندشو سخت میکنه. ۱۰. اگه امکان داشت در باره اقتصاد سوسیالیستی در نشریه بیشتر مطلب بنویسید.

برد کم، صفحات کم! کاوه رزمجو تهران

با سلام و درود به دست اندرکاران هفته نامه خوب جوانان کمونیست. ۱. به دلیل سنگین بودن حجم سایت سازمان جوانان کمونیست من این هفته نامه را از روزنه دانلود میکنم. ۲. بعد از کپی کردن من این مجله را به تمامی دوستانم که در میل باکس من آدرسی دارند میفرستم. به همین طریق تقریباً ... نفر دیگر هم این مجله را میخوانند. ۳. مطالب خوبی در این مجله نوشته میوشد که ارجحیت بخصوصی نسبت به هم از نظر من ندارند و از سرمقاله گرفته تا کزیده های بلاگ ها متغییرند. ۴. یکی از شماره هایی که مرا مجذوب آن کرد، شماره ویژه منصور حکمت (۹۷) بود. ۵. یکی از ایرادات این مجله این است که با توجه به کمبود همچنین رسانه ای برای جوانان ایرانی که مبلغ مشی مارکسیستی و آرایخواهی است، این مجله از صفحات کمی برخوردار است. (چون این مطلب به مناسبت سالگرد این مجله است، از ایرادات سایت سازمان جوانان در میگذرم). ۶. با توجه به تعداد جوانان در ایران و اصولاً جوان بودن جامعه ما، به نظر میرسد که از برد کافی برخوردار نیست. ۷. من فکر میکنم جهت گیری و هدف گیری شما بسیار خوب است و با استمرار این کار میتوانید باعث آگاهی های فراوانی برای جوانان باشید.

۸ و ۹: خوب!

به صورت واژه نگار و یونیکد هم چاپ میشود.

به غیر از این شفافیت! مسعود محمدی بهزاد محمدی آزاد محمدی

رفقای عزیز دست اندرکاران نشریه سازمان جوانان کمونیست با سلام و درود فراوان. دستهای پرتلاش تان رابه گرمی میفشاریم و امید دیدار شما را از نزدیک داریم. این جواب ما به سوالات شماست:

۱- از طریق اینترنت. ۲- بلی، از طریق چت روم و از طریق ایمیل برای دیگران می فرستیم. بیش از سه هزار آدرس ایمیل برای رفقا مصطفی صابر و بهرام مدرسی و .. فرستاده ایم تا خودشان برای آنها نشریه را بفرستند. چون مایه علمی توان فرستادن نشریه را در این سطح وسیع نداریم.

۳- اولین مطلبی به سراغ آن میرویم جواب به انتقادات و سوالات از مصطفی صابر است.

۴- ویژه نامه نشریه در رابطه با بزرگداشت رهبر کبیرمان منصور حکمت شماره محبوب ما و مطلب «کمونیسم ما و پیرمردهای جبهه ملی» (شماره ۱۰۵) محبوب ماست. شماره ویژه نشریه سازمان جوانان رفیق منصور را بهتر به ما شناساند احساس دیگران رانسیب به رفیق منصور را بهتر درک نمودیم.

۵- در مورد انتقادات: ۱- مطلب برای نوجوانان در نشریه موجود نیست. ۲- جای جواب به نظریات انحرافی و ضد کمونیستی و اهداف پلید انگلهایی مانند (یکدی دو اسم از جریانات چپ سنتی آورده اند) که ساهسات درلجنزار ضدکمونیسم به زندگی خفت بار و پر از تناقض خود ادامه می دهند خالی است.

۶- جایگاه نشریه؟ نشریه ای رانمی شناسیم که درحد نشریه جوانان باشد. این نشریه باید به طور وسیعتری در دسترس جوانان قرار گیرد زیرا در این حد جواب گوی جوانان تشنه آزادی و برابری نیست. بی شک این نشریه جذابترین و آموزنده ترین نشریات کمونیستی است که تا حال منتشر شده است.

۷- چه جهتی را برگزینیم تاخوانندگانی وسیع تری داشته باشیم؟ بنظر ما حالا بهترین جهت راانتخاب کرده اید ولی اگر در هر شماره یک بند دنیای بهتر رابه زبان ساده تر توضیح دهید خیلی خوب خواهد شد.

۸- لحن نشریه بسیار رک و شفاف و بی تعارف است. نقش مذهب راخوب توضیح می دهد. کمونیزم را آنطورکه بوده و هست توضیح می دهد. نقش کسانی که تا حال به غیر از خدمت به بورژوازی و تفرقه افکنی درمیان کارگران و کمونیستها هدفی

مسائل مورد توجه جوانان، موزیک و سینما و ورزش و رقص و سکس و غیره، بپردازد. منظور من الزاما بحث های تخصصی نیست (که آن هم البته در حد معقول مفید است)، بلکه بیشتر جایگاه اجتماعی - تاریخی این مقولات در جهان امروز و برخورد جوانان ایران نسبت به آن ها مد نظرم است.

به نظر من سازمان جوانان تا همین الان نه فقط توانسته است رابطی بین حزب کمونیست کارگری و جوانان ایران بشود بلکه ذهنیت و فرهنگ کل حزب را هم به درجانی تحت تاثیر قرار داده و «جوان» کرده است. نشریه، نقش مهمی در جاری کردن این خون جوان به حزب ایفا کرده است.

ایراد که زیاد است! آرش سوخ تهران

رفیق مصطفی جان، تقدیم به شما، جواب نظرخواهی:

۱. از طریق دوستان عزیز بهرام و مصطفی یا اتاق جوانان کمونیست در یاهو و یا سایت.

۲. بله اما متأسفانه نمیدانم باید چه کنم تا شماره ها به طور منظم به آدرسهایشان ارسال شود.

۳. نامه های شما و لینک.

۴. راستش شماره ویژه منصور حکمت را خیلی دوست داشتم. شماره های دیگر را هم کم و بیش به یک سطح دوست دارم.

۵. ایرادات که زیاد است! مهمترین ایراد عدم توزیع مناسب است. باید کاری کنید که حداقل ۱۰۰ هزار نفر یا حتی بیشتر بدانند چنین مجله ای چاپ میشود. این کار با روش هایی که من به هیچ وجه دشوار نیست! باید کسان زیادتری را با کمونیسم آشنا کرد و به آن علاقمند کرد. ۶. متأسفانه جایگاه خیلی بالایی از لحاظ تعداد خواننده ندارد. تخمین من این است که حد اکثر کمتر از ۵۰۰ نفر هر شماره شماره آنرا میخوانند که این اصلاً خوب نیست. و باید خیلی خیلی خیلی بیشتر شود، بطرق مختلف!

۷. موضوع این سه سوال آخر یکی است! همانگونه که گفتیم جهت های زیادی هست. مثلاً چاپ نشریه به دو زبان که فکر میکنم کار خیلی دشواری باشد و ارسال آن برای افراد بسیار بسیار بیشتری.

۸. راستش گاهی اوقات از مقالات یا عبارات ناراحت میشوم. گاهی اوقات هم خیلی خوشبینانه است! انگار نه انگار که ما در ایرانی زندگی میکنیم زیر دست حکومت آخوندی و متأسفانه آشنایی مردم با کمونیسم هم کم است و بیشتر اویوزیسون ها طرفدار شاه اند. در ضمن گاهی اوقات به مجاهدین و فدایی ها (بخصوص این آخری که کمونیست هم هستند) واقعا خیلی توهین میشه که انتظارش رو ندارم!

۹. صفحه آرای بسیار خوب است. به خصوص این طرح اخیر که

است. به خصوص این طرح اخیر که

جوانان کمونیست از منظر شما

رادنیال نکرده اند، روشن نموده است. از نشریه سازمان جوانان کمونیست به غیر از این شفافیت نباید انتظاری داشت.

۹- صفحه آرایی و شکل و شمایل نشریه بیش از حد عالی و خوب است.



جی.کی.و کمونیست کهن! حمید محمدی

کته. ۸- لحن و نثر نشریه دقیقاً همون چیزیه که ما جوانها میخواهیم. هم سیاسی و هم کلمات نامفهوم توش نیست و خیلی رادیکال و صریح و این بهترین چیزی که همه رو به این نشریه جذب میکنه. چون هیچ کدوم از گروههای اپوزیسیون اینطور دقیق و صریح و روشن حرفشون نمی زنن. ۹- نظر خاصی در این مورد ندارم و به نظرم خوبه.

مصطفای عزیز، سلام. هر وقت «بیکار» (نشریه سازمان بیکار که سالهای ۵۸، ۵۹ منتشر میشد) را باز میکردم دنبال کمک مالی میرفتم تا ببینم کی به سازمان کمک کرده است. اما از وقتی که کمونیست شدم آرزو داشتم نشریه ای پیدا کنم که نظرات مخالف را هم چاپ کند. اما کمونیست و اترناتیونال هم این کار را نکردند. بسیار بسیار خوشحالم که «جی.کی.» (منظورشان جوانان کمونیست است) این کار را بخوبی انجام میدهد. به عنوان کمونیستی کهن و منفرد خیلی شادم که نشریه جی.کی. در این باره اوین است. باور کن از شماره ۱۰۱ طرفدار نشریه جی.کی. شدم. بسیار مهم است وقتی کمونیستها میدانند نظرات مخالف چیست یعنی یک بعدی نیست. همینطور جریانهای دیگر هم میدانند ما از ابراز نظرات شان نمی ترسیم. وقتی که «مام رضا» مسئول (نامه های شونندگان) صدای انقلاب بود (اشاره شان به سالهای ۶۵، ۶۶) باید باشد! میفکتم ولی جواب نمی دادند. امیدوارم موفق باشید. دستت درد نکند.



۱۷ هزار لی میل آدرس! امید حدادبخشی

وقتی اولین شماره به همت بهرام مدرس منتشر شد، با یکی از رفقا

با هیجان زیاد نگاهی به اون انداختیم بعد محکم کف دستهامونو به هم کوبیدیم و فریادی از خوشحالی کشیدیم و تا چند روز موضوع روزمون شد. به شوخی می گفتیم که یه روزی این نشریه روزنامه محبوب جوانان خواهد شد و هزار جور فکر و خیال به سرمون میزد.

جوانان کمونیست قدم به قدم همراه با ثریا شهابی و مصطفی صابر به جلو آمد. امروز این نشریه هنوز به روزنامه تبدیل نشده اما بی شک بسیار محبوب است و این را مدیون زحمات مصطفی صابر و نویسندگان خوش است.

— من این نشریه را از طریق ایمیل دریافت میکنم و برای ۷۳ گروه در یاهو و آدرسهای دیگر میفرستم که جمعا حدود ۱۷۰۰۰ آدرس می شوده — اولین مطلبی که به سراغش می روم بخش نامه هاست. — فکر می کنم ایراد کار نشریه در تعداد کم صفحاتش است که البته میدونم در حال حاضر امکان زیاد شدن صفحات را نداریده — این یک نشریه کمونیستی جوان پسند است به نظر من نشریه همانجایی ایستاده که باید باشد. نشریه ای سیاسی، چپ با لحن و بیان دلخواه جوانان، یعنی رک و بدون رنگ و لعاب بی خود دادن به کلمات و ادبیاتی بی نظیر در میان نشریات ایرانی. من شخصاً از خواندنش لذت می برم و مطمئنم که اگر به همین شیوه کار ادامه پیدا کند پر خواننده ترین نشریه جوانان خواهد شده شما ببینید به عنوان مثال، نمونه مقالات ایمان شیر علی یا جواب به سئوالات که مصطفی صابر مینویسد را در هیچ نوع نشریه ای نمی توانید ببینید. راستش جای یک نشریه جوانان کمونیست در فضای سیاسی ایران خالی بود و الحق که این جای خالی را توانست به خوبی پر کند و یک فضای تازه و بکر را در اختیار جوانان برای شناخت کمونیسم و فعالیت قرار داده است. به امید روزی که این نشریه را همه جوانان از کیوسک های روزنامه فروشی در ایران تهیه کنند

این جریان رسوا شود! سینا کارگر تهران

وقتی فرم نظرخواهی سازمان را در نشریه دیدم بسیار خوشحال شدم. فرصت را غنیمت شمردم و انتقادات خود را در زمینه خط سیر فکری نشریه نوشتم. امیدوارم این انتقادات در پیشبرد اهداف عالی شما موثر واقع شود. روشن است که من برای بیان دقیق این موضوعات به ناچار بخشی از واقعیت را بزرگ جلوه داده ام.

— نقد شما به اسلام، تا حدی چشم پوشی از واقعیت جایگاه اسلام در ساختار اقتصاد سیاسی ایران است. باید این جایگاه را مشخص

کرد. سپس مطابق این تحلیل استراتژی مشخص را اتخاذ نمود. اسلام در ایران به عنوان بخشی از سنت عمل میکند و این دقیقاً به علت عدم رشد نیروهای مولد جامعه است. هرچند وجود حکومت ارتجاعیون در حفظ رونمایی این وضع قطعاً موثر است. اما این سوال را مطرح میکنم: «حکومت جمهوری اسلامی تا چه حد موثر است؟» آیا با سرنگونی حکومت مردم سنت و اسلام را کنار میگذارند؟ این دید سطحی است. آنچه لازم است یک نقد ریشه ای و دریافتن آن علت ساختاری (عدم رشد کافی نیروی مولده؟) است. سپس تبیین علل پایداری این ساختار اقتصادی — اجتماعی است. در مراحل بعد یقیناً تشریح و رسوا کردن علمی این ساختار و معرفی بدیل پیشتاز سوسیالیستی لازم می آید. در نتیجه ساختار پیچیده مذهب در جامعه ایران نیاز به نقدی پیچیده و دشوار دارد.

— از اینکه در ساختار سیاسی شما کمونیسم بصورت جریان مملوس و مستقل معرفی میشود و از به اصطلاح بازی های سیاسی فاصله گرفته میشود، خوشحالم. اما شما از یک نیروی اساسی سیاسی در «داخل» غافلید. نیروهای لیبرال دمکراتیک لاتییک جنبشی که بخشی از آن بر موج دوم خرداد سوار شد. و با استفاده از آزادی موقت نسبی آن دوره اصلاحاتی چون «جامعه مدنی»، «شهروند»، «قانونگرایی» و حتی «سکولاریسم» را در فضای فکری ایران نهادینه کرد. این جریان که اکنون با نخله فکری پست مدرن در ایران امروز جای مهمی برای خویش باز کرده است، باید رسوا شود.

— در همین ایران اختناق زده، گروههای هستند که با وجود تمامی مشکلات و سانسور فعالیت تنویرک چپ میکنند و مقالات خود را در مجامع فکری معرفی میکنند. امیدوارم بتوانیم چند نمونه از کارهای ایشان را برای شما ارسال کنیم. سازمان جوانان که مطمئناً با آزادی بیشتری کار میکند باید بتواند هژمونی «فکری» (و نه سیاسی) چپ جوان ایران را به دست آورد.

— باید بگویم به دور از هرگونه غرض، لحن و بیان برخی از مقالات هفته های اخیر بسیار سطحی و بدور از منطق مندی بوده است. باید با این شیوه نوشتن برخورد و مبارزه شود. و از همان نویسندگان مسلماً غیر حرفه ای خواست با تلاش بیشتر نقدی اصیل تر را به خوانندگان عرضه کنند. موضع انتقادی ما باید بتواند نشریه ای مرجع را به جنبش جوان ایران معرفی کند.

— پیشنهاد: به عنوان اولین قدم، سازمان باید کتابخانه اینترنتی شامل انگاره ها و آموزه های بنیادی چپ در سایت راه اندازی کند. جزوه های فشرده و ساده و با حجم کم باید در دسترس علاقه مندان قرار گیرد. به شرط مساعدت شما، ما برای راه اندازی این کتابخانه اعلام آمادگی

میکنیم. شیوه پیشنهادی کلی: بطور منظم و مستمر (مثلاً هر ده روز) تعداد معینی جزوه و یا کتاب در سایت قرار میگیرد. به امید دیدار سرخ ما.

بحث آموزشی سریال ابی سروش از تهران

با سلام، خسته نباشید. من میخواستم نظری را در مورد نشریه بدهم البته شما در این زمینه بسیار تجربه دارید و نمی دانم تا چه اندازه میتواند مفید باشد. اگر بشود در نشریه از یک موضوع آموزشی استفاده کرد تا یکسری خواننده های مخصوصی را بخودش جلب کند به نظر شما چطور است؟ این میتواند تعدادی را جذب کند و حتی این موضوع میتواند بصورت سریال تکرار شود تا توجه بیشتری جلب کند. یا دیگر اینکه هر هفته بحث یک تغییر توش ایجاد کرد که با هفته پیش فرق داشته باشد. من یک سوال داشتم که در مورد مسایل روز ایران و سایر نقاط دیگر جهان مطرح میشود میشه متنهای دیگری هم در نشریه گنجانده؟ معذرت زیاد حرف زدم، سروش ابی.



برای سه سالگی فرزاد نازاری

سه ساله شدن نشریه پویا، تیز و روشن بین و در گود سیاست، جوانان کمونیست را به بنیانگذارانش و به تمامی رشد دهنده گانش، به رفیق ثریا شهابی سردبیر پیشین و توانایش، به تمام رفقای سخت کوش سازمان جوانان کمونیست و به رفیق عزیز بهرام مدرس دبیر سازمان جوانان کمونیست، و سردبیر وسیع بین کنونی رفیق مصطفی صابر و تمامی جوانان کمونیست و آزادخواه تبریک میگویم. تصاعدی بودن رشد محبوبیت غیر قابل انکار نشریه در میان جوانان حتی بیشتر از خارج کشور در ایران، نشانه صحیح بودن و روی ریل بودن آن در رابطه با مخاطبانش است. مطمئناً اگر نشریه خلاف جریان، جوانان کمونیست در جامعه سیاسی بالغ و پولاریزه امروز ایران خواستهای

جوانان کمونیست از منظر شما

اکثریت عظیم جوانان را منعکس نمیکرد و بلندگوی آنها نمیشد، قضیه طور دیگری بود. صحت جهت گیری نشریه و قطب نمای سیاسی بودنش در جهت ممکن کردن آرزوهای سرکوب شده جوانان و مردم داغ دیده ایران باعث موقعیت شورانگیز و نقطه پرگار شدن کنونی در میان جوانان است.

اما سولهایتاتان :

۱- من نشریه را از اینترنت، و گاه از میزکتبهای جوانان کمونیست و حزب کمونیست کارگری می گیرم. ۲- نشریه آنچنان که پیاداست سیاسی است و هر چیزی هم به من رهنمود روشن سیاسی در جهت رسیدن به اهداف و آرمانهایم بدهد، بی شک در صدد معرفی کردن به دیگران قرارش میدهم. ۳- اولین مطلبی که بسراغ آن میروم بیشتر نامه هاست و پاسخ نشریه به آنها. چرا که این برای من میزان اجتماعی بودن، دخالتگر بودن و مؤثر بودن و شادابی و بالندگی نشریه را منعکس میکند.

۴- تمام شماره ها برای من محبوب است چون تمام شماره ها مطالب متنوعی و مختلف را منعکس میکنند و در تمام شماره ها آزادمنشی و فرهنگ مدرن و بالای مطبوعاتی نشریه را در انعکاس نظرات مخالف و رشد دادن به یک فرهنگ انتقادی باز، به سادگی و روشنی میتوان مشاهده کرد.

۵- فکر نمیکنم ایرادات کار شما آرمانی باشد و یا خارج از ریل بودن بر اساس اصول و تعهدات آنچنان که در اسنادتان منتشر کرده اید. شما دقیقاً بر روی ریلید، ایرادی هم اگر هست فکر می کنم مشکلات فنی باشد که رفع آنها به نظر من نیاز به بنیه مالی قویتر و یک اکپ منسجم و مسؤل پیرامون نشریه دارد.

۶- اگر متهم به اغراق نشوم نشریه سیاسی دیگری در میان پوزیبیون و پوزیبیون جمهوری اسلامی که مخاطبشان نسل جوان است اینچنین مدرن، بی پروا روشن و صریح، نه تنها حامی نسل جوان بلکه صدای فریاد میلیونها تن از خود آنان باشد. جوانی که مایوس است، جوانی که بیکار است، جوانی که در دام اعتیاد است، جوانی که شلاق و تازیانه میخورد، جوانی که میخواهد مثل یک آدم امروزی زندگی کند و آرزوها و احساساتش قربانی سود جویی و درنده خویی سرمایه داران اسلامی و غیر اسلامی نگردد...

۷- جهتی را که بتواند سانسور اسلامی را شکست و نشریه را در دسترس مخاطبینش قرار داد. اگر وسعت خواندگانش آنچنان که انتظار می رود نیست قبل از هر چیز به خفقان سرکوب و سانسور دولت اسلامی سرمایه برمیگردد نه

مرا دوباره با نشریه شما آشنا کرد و چند شماره آنرا خواندم. نسبت به سال اول پرمحتوا شده است و یک برتری هم نسبت به نشریه حزب دارد و آن اینکه کسانی که در این نشریه قلم میزنند محدود نیستند. البته من مدت کمی است که به صورت پی در پی نشریه شما را میخوانم و بنا بر این نمی توانم نظری سازنده داشته باشم. ولی فکر میکنم اگر نشریه قسمتی برای آموزش سیاسی و عقیدتی جوانان داشته باشد مفیدتر خواهد بود و تصور می کنم چنین چیزی برای جوانان داخل ایران نیاز است. (چون من با افرادی برخورد میکنم که خودشان را کمونیست میدانند ولی از مفاهیم اولیه مارکسیسم شناخت دقیقی ندارند.) اگر صلاح دید قسمتی از نشریه را برای چیزهای که جوانان علاقه دارند اختصاص دهید (تازه های اینترنت و هرک - دانستیهای سکس) و قسمتی هم برای انتقال تجربیات فعالین سیاسی نسل قبل به نسل جدید اختصاص بدهید و در مقالاتتان سعی کنید از واژه های استفاده کنید که در فارسی محاوره ای کاربرد بیشتری دارند. (تا جوانانی که دانش سیاسی کمی دارند دنبال فرهنگ لغات سیاسی نروند.) تا جایی که امکان دارد از نویسندگان جوان بهره بگیرید. در قسمتی آدرس فیلتر شکن را هم معرفی کنید. در مورد طرح نشریه باید بگویم که معمولاً صفحه اول نشریه رنگ شاد کم دارد و جالب نیست. چیز دیگری در مورد عکس رنگی شما با عینک دودی ترسناک است. (ببخشید!)

عکس سیاه و سفید موجود در بین اعضای کمیته مرکزی (حزب کمونیست کارگری) از آن بدتر است. سعی کنید عکس جدیدی برای خودتان دست و پا کنید. نشریه شما در معرفی چهره های سرشناس مارکسیست جهان تلاش زیادی نمی کند و از آنها مقاله چاپ نمی کند. من وقتی نشریه بدستم می رسد اول به عنوانها نگاه میکنم و بعد به نویسند. اگر عنوان جالب و نویسنده مطلوب باشد میخوانم و پیشنهاد میدهم در زیر عنوان مقاله ایمیل نویسند را هم بنویسید تا خواننده بتواند با نویسنده مقاله ارتباط داشته باشد. خلاصه آرزوی موفقیت و پیروزی برای جوانان کمونیست دارم. یک چیز دیگر مقالات رفیق علی جوادی جذابیت کمی برای من دارد. (دلیل منطقی برای این جمله ندارم و نمی دانم چرا.)

با آموزش نسل جوان راه رسیدن به ایده آلترین جامعه بشری هموار میشود!

هر هفته معرفی خواهیم کرد!

سینا از تهران

سالگرد نشریه را به شما و تمام همکاران و نویسندگان و همه و همه تبریک و خسته نباشید میگویم. امیلوارم به زودی زود نشریه سازمان

جوانان کمونیست در ایران به صورت رسمی منتشر شود... به نظر من نشریه بسیار عالی است. من تنها نشریه ای که میخوانم (البته به جز انترناسیونال هفتگی) همین نشریه سازمان جوانان است. و بدوستان نیز معرفی کرده و میکنند. من این نشریه رو معمولاً از طریق ایمیل دریافت میکنم و یا از سایت روزنه میگیرم. سراغ مقاله خاصی هم نمیروم چون همه مقاله ها بسیار خوب است. ولی تو صفحات، از صفحه لینک بسیار خوشم می آید. بعضی از مقالات انتخابیش بسیار جالبه و همچنین بعضی از مقالات آقای ایمان شیرعلی. در ضمن برای هر چه بیشتر معروف شدن نشریه باید تبلیغات را افزایش داد. در همه سایتها، فروم ها، رادیوها، تی وی ها و خلاصه همه جا نشریه جوانان کمونیست را به مردم باید معرفی کرد. در این زمینه من خودم تلاش خواهم کرد هر هفته خبر انتشار شماره جدید نشریه را در گروه ها و چت روم ها بدم. به نظر من برای اینکه نشریه بهتر بشه باید کمی مقالات تئوریک مارکس رو بیشتر کرد تا جوانان بیشتر با مارکس آشنا بشوند و همین طور مقالات منصور حکمت و... را باید بیشتر چاپ کرد. سینا دوست دار و مبلغ همیشگی حزب کمونیست کارگری (سینا اگر اشتباه نکنم ۱۷ سال دارد. جوانان کمونیست.)



آرزوی سلامتی!

مریم طاهری

رفیق عزیز مصطفی صابر! با تشکر و قدردانی گرم به خاطر کار تبدیل کردن نشریه جوانان کمونیست به نشریه ای زنده و پویا. نشریه ای که هماقتر که مصمصانه و پیگیر به مسائل و معضلات جنبش جوانان برای سرنوینی جمهوری اسلامی میپردازد، همان اندازه هم پاسخهای روشن و دقیقی به سوالات و ابهامات روزمره جوانان در همه عرصه های زندگی روزمره و تقابل دائم با جمهوری کثیف اسلامی دارد. نشریه ای که تئوری کمونیسم کارگری و راه پراکتیک کردن آن را با توجه به حجم محدودش، شفاف و روشن پیش روی همگان، بویژه جوانان میگنارد. نشریه ای که منصور حکمت و ادبیات کمونیسم کارگری و سازمان جوانان کمونیست را برای جوانان در ایران قابل دسترسی تر کرده است. نشریه ای ساده، صمیمی و پربار. میدانم سردیبری چنین نشریه ای درکنار کار برای معاش و کارها و مسئولیت های دیگر، چقدر سنگین

و وقت گیر است. برای آرزوی انرژی هرچه بیشتر و سلامتی دارم. به امید روزی که همین زودی که در فردای سرنوینی رژیم وحوش اسلامی، نشریه را در میان حلقه جوانان پر شور و آزادیخواه در تهران بچاپ رسانیم. دستت را می فشارم، مریم طاهری، مسئول تشکیلات خارج سازمان جوانان کمونیست

دیگشوری لازم است

حامد راد از تهران

مصطفی جان سلام، من هم نظرم را در مورد نشریه میفرستم. جواب ۱. من نشریه را از طریق بهرام مدرسی و امید (مسئول اتاق جوانان در یاهو) دریافت میکنم و در کل در مورد گرفتن مشکلی ندارم.

جواب ۲. من نشریه را برای کسان دیگر میفرستم. و همچنین با دوستان دور هم جمع میشویم و بعضی مسائل آنرا تحلیل میکنیم. جواب ۳. خود من شخصاً اول بار تمام صفحات را یک بار نگاه سطحی میکنم. سپس به سراغ خبرهای روز میروم که هنوز نشنیده ام. (که خیلی کم است!)

جواب ۴. تعارف نمی کنم همه مطالب برای من محبوب و جالب هستند. مخصوصاً وقتی خبری در مورد پیشرفت های سازمان و اهداف آن چاپ شود. جواب ۵ و ۶ و ۷ و ۸ را یکجا میدهم:

بین مصطفی جان، من این مطلب را چندین بار تذکر داده ام. بعضی از مطالب بسیار پیچیده و نامفهوم برای عموم بیان میشود. همه مخاطبین سیاستمدار، فارغ التحصیل رشته علوم سیاسی و با سواد نیستند. بعضی از مطالب با کلمات بسیار نامفهوم برای عموم چاپ میشود. اصطلاحات سیاسی بسیار به کار میروند. این بد نیست. در صورتی که یک دیگشوری هم داشته باشید. مثلاً خود من وقتی برای دوستان دیگر نشریه را میفرستم دچار مشکل میشوم. باید مرتب در مورد بعضی از اصطلاحات توضیح بدم. حتی بعضی از آنها وقتی می بینند که نمی فهمند، از آن میگنزند و فقط مثلاً قسمت لینک را میخوانند. آیا این مهم نیست؟ یاد می آید در اوایل در زمان دوست خوبمان ثریا شهابی بعضی اوضاع در مورد این اصطلاحات توضیح داده میشد. این کار بسیار جالبی بود. اگر الان هم هر هفته حتی در دو یا سه سطر این کلمات را توضیح دهید فکر نمی کنم ضرر کنید. این کار یعنی احترام گذاشتن به تمام خوانندگان با هر معلومات و سطح سواد.

فکر می کنم این اولین ایراد نشریه باشد. ایراد بعدی این است که

جوانان کمونیست از منظر شما

خبرهای ایران را به دقت دنبال نمی کنید. به همه آنها اهمیت نمی دهید. چه خوب است که کلیه اتفاقاتی که در ایران می افتد (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی و...) زیر ذره بین نشریه باشد و با دقت آن را نقد کنید. مثلا در مورد اتفاقاتی که برای وزیران یا مدیران ایران می افتد. مثل کشته شدن رئیس بانک مرکزی در یک سانحه هوایی و خیلی مطالب دیگر. باید خواننده از هر لحاظ ارضا شود. تا به دنبال منبع خبری دیگری نرود... اگر در تمام موارد زندگی وارد بحث شوید و فقط به اخبار سیاسی و تحلیل کمونیسم بسنده نکنید جالب تر باشد. بحث اجتماعی کنید، از گذشته سران ایران بگویید و... فکر میکنم با این کار خوانندگان با هر سلیقه ای به خواندن نشریه روی می آورند.

در مورد لحن و نثر هم که گفتیم باید شواهد شود. بعضی ها یک صفحه میخوانند و فقط یک پاراگراف آنرا متوجه میشوند.

جواب ۹. در نشریه غلط املائی بسیار دیده میشود. مثلا وقتی من آن را برای دیگران می خوانم چندین مرتبه مکث میکنم تا بفهمم که درست آن کلمه چه بوده است. بعضی مطالب بسیار ریز است که کیفیت را پایین می آورد. این کاش در تایپ کردن از رنگهای دیگر هم استفاده میشد. فکر میکنم صفحات شادتر میشدند. مثلا سر صفحه اول قسمت شماره نشریه چه خوب بود اگر رنگی بود. همین کار جلب کننده است. یا تیترو رنگی باشد. مرسی مصطفی جان از زحمات تو و دیگر دوستان.

جواب ۹. در نشریه غلط املائی بسیار دیده میشود. مثلا وقتی من آن را برای دیگران می خوانم چندین مرتبه مکث میکنم تا بفهمم که درست آن کلمه چه بوده است. بعضی مطالب بسیار ریز است که کیفیت را پایین می آورد. این کاش در تایپ کردن از رنگهای دیگر هم استفاده میشد. فکر میکنم صفحات شادتر میشدند. مثلا سر صفحه اول قسمت شماره نشریه چه خوب بود اگر رنگی بود. همین کار جلب کننده است. یا تیترو رنگی باشد. مرسی مصطفی جان از زحمات تو و دیگر دوستان.

محبوبیت ویژه ای برخوردار بوده است. انعکاس این وضعیت و تماس بیشتر با جوانان در نشریه باید بیشتر گردد. فشار ناسیونالیسم و نوکران و جیره خواران انستیتو کردها را نمیتوان نادیده گرفت. گرچه در مقایسه سراسری خطر جدی نیست اما باید نشریه به آن بپردازد و آن را در حرکتیهای سیاسی و روزمره آن افشا کند. بعد از سالها دوری و پرورش در محیطهای متفاوت زبان سیاسی جوانان در ایران مسلما با ما به مثابه یک حزب سیاسی با سابقه تطابق کامل ندارد. اما در اکثر موارد یک حرف و یک نظر داریم. شعارهایمان یکجست. آرزوهایمان یکجست. اعتراضاتمان مبارزاتمان همان چیز است که هر روزه برایش تلاش میکنیم و آن را در نشریاتمان منعکس میکنیم. زبان سیاسی جوانان در ایران را که جاهایی در محافل به کار برده میشود باید فهمید، تاریخش را مرور کرد و نکته های مشابه را برجسته کرد. باید مدرنیسم، رادیکالیسم و پروگرسو بودن این جنبش و انسانهایش را تقویت کرد و آلودگی های مذهبی، انحرافات و لغزشهای سیاسی را توضیح و هشدار داد.

در خاتمه صفحه نامه های رسیده و جوابها فاوریت من است چرا که از آنجا میتوان خوانندگان نشریه و نظراتشان را و برخورد شما به آنها را مشاهده کرد.



من از تعطیلات برگشتم. واقعا که جای خالی... و اما نکاتی در مورد نشریه. نکات ریزی ست ولی شاید کمکی بکند.

من هنوز فکر می کنم اگر نشریه را می خواهی روز جمعه در بیابری باید پنجشنبه شب و یا حداکثر صبح جمعه به وقت ایران باشد وگرنه بهتر است که روز دیگر باشد که همراه با انترناسیونال هفتگی و همبستگی هفتگی نباشد...

قسمت «در صفحات دیگر» کماکان خیلی شلوغ و ناآرام است. فکر نمی کنم کسی آن قسمت را بخواند. اگر هم می آوری بهتر است که یک شکل ثابت داشته باشد. بعضی وقتی ها احساس می کنم که از لحاظ صفحه بندی خیلی شلوغ و پلوغ است. در صفحه آخر که لینک هم می آید بهتر است که شکل واحدی داشته باشد. مثلا این بار اول عنوان مطالب است بعد «لینک»... ولی دفعه قبل اول «لینک» آمده بعد عنوان. منظورم این است که شکل ثابت داشته باشد. من ترجیح هم این است که از عکس هم برای مطالب لینک استفاده نکنیم و لازم نیست که عکس من همیشه بیاید.

در ضمن من اگر جای تو بودم عکس کودکان را در بین مطالب مربوط به کودکان می گذاشتم نه انتهای مطلب ایزد بانو که ربطی به عکس ندارد.

در قسمت تلفنها و تماس، اسامی و شماره تلفنهای ردیف آخر نامنظم است و معلوم نیست که کدام شماره تلفن مال کیست. آدرس پستی جوانان کمونیست هم خوب مشخص نیست.

باکس سمت راستی جوانان کمونیست هم اضافی ست. این قسمت در صفحه اول آمده. فقط کافیست که ای میل و تلفن خودت را جای مناسبی در صفحه اول بگذاری و آن باکس را برداری که جای بیشتر داشته باشی. مثلا در همان قسمت می توانی سایتیهای بیشتری را معرفی کنی. از جمله سایت علی جوادی و ... نکته آخر اینکه فکر می کنم باید مواظب باشی که در مورد هر مطلب اظهار نظر نکنی. من شخصا از نکاتی که مطرح می کنی خیلی خوشم می آید ولی باید بگویم که زیادیش خسته کننده می شود. این احساس به خواننده دست می دهد که تو مثل یک معلم وظیفه خودت می دانی که در مورد هر نکته ای و مطلبی اظهار نظر کنی. دستت را

صفحه آرابی و فونت هم خوب است ولی اگر به جای عکس نادر عکسی از مارکس بگذاریم، آنوقت جهانی تریم. و نکته آخر اینکه نشریه حالت مردانه دارد. یعنی بیشتر مردها در آن مطلب می نویسند. از رفقای دختر خواهش کنید که آنها چیز بنویسند.

در پایان هم از زحمات شما برای نشریه واقعا تشکر میکنم. گرداندن یک هفته کار سختی است. آن هم پر خواننده ترین نشریه حزب.

با خدا شوخی نکنید!

عیسی از تهران

سلام بهرام جان در مورد سوالاتی که کردی:

۱. نشریه را از شبکه شما دریافت میکنم.
۲. ما دیگه کاری جز پخش کردن نشریه نداریم.
۳. مباحث دکتر جوادی یا کوروش مدرسی.
۴. به یک اندازه. همه مطالب عالی است.
۵. شوخی با خدا. چون خیلی از دوستان که این نشریه را میخوانند به این مطلب اعتراض میکنند که آیا با خدا هم میشه شوخی کرد. این مردم سالها است که اینطور فکر کرده اند و باید به عقیده شون احترام گذاشت...

(باقی سوالات را جواب نداده اند.)

مثل معلم ها نشوی!
علی فرهنگ
(بخشی از یک نامه)
مصطفی جان سلام،

چرا دخترها نمی نویسند؟! علی راستین از تهران

سلام مصطفی جان

سوالات را از ۵ جواب میدهم. بزرگترین ایراد کار ما (با اجازه شما «ما») به کار میبرم فقر تئوریک وحشتناکی است که در نشریه حاکم است. با اینکه خوانندگان نشریه زیاد میشوند و همه علاقه دارند که بدانند مارکسیسم چیست، نشریه هیچ کار تئوریک جدی نکرده است. بگذاریم از اینکه هرازگاهی مطلبی از نادر (منصور حکمت) بصورت نصفه و نیمه چاپ میشود. ولی جوانان احتیاج به متون اصلی مارکس دارند. میخواهند بدانند ارزش افزوده چیست. ماتریالیسم دیالکتیک یعنی چه. شما خودتان این ها را می دانید فکر میکنید همه میدانند.

بنظر من جایگاه نشریه هر جا باشد، بی رودبایستی جایی نیست که باید باشد و در جای واقعی خود نایستاده است. نشریه باید در محلات، در دانشگاه ها، در کانون های جوانان، در دست جوانان دست به دست بچرخد و در مورد تک تک موضوعاتش بحث کنند. ولی متأسفانه سطح بعضی نوشته آنگذر پایین است که ارزش بحث کردن ندارد.

یک چیز دیگر، شما یک صفحه تمام را اختصاص به پاسخ به نامه



سازماندهی در مبارزات دارد.

این در مورد حرکت جوانان هم صدق میکند. نشریات و احزاب و سیاستهایشان در میان مردم دست به دست میگردد و به بحث و جمل گذاشته میشود. یکی از نظرات قوی و سازمان یافته در کردستان و بویژه در شهرهای بزرگ چون سنندج وجود کمونیسم کارگری و حزب آن است که هر سال خود را در ۸ مارسها در اول مه و تقریبا همه اعتراضات کارگری نشان میدهد. در میان دانشجویان و جوانان و بویژه در میان زنان که با تاکید بگویم با وجود همه تلاشهای مذبوحانه ناسیونالیسم و دلالان وصله پینه کردن جمهوری اسلامی، کمونیسم کارگری همواره از

کوچه پس کوچه های سنندج! هاله طاهری

مصطفی عزیز! خسته نباشید و دستت را به گرمی میفشارم. قبل از هر چیز سومین سال نشریه سازمان جوانان را به شما و همکاران، نویسندگان نشریه و به همه جوانان در ایران تبریک میگویم. نشریه موفق و خواندنی شما در یک سال و نیم گذشته در کوچه پس کوچه های تهران و سنندج و دیگر شهرها در دستان جوانان و در محافل و

جوانان کمونیست از منظر شما

بگرمی می فشارم و برایت تندتر می آرزو می کنم، به امید دیدار.

این جماعت منفجره!! جمال مصری (فیلاند)

بنا به تعلقی که به این سازمان دارم و همانند خواننده این نشریه به سولاتی که مطرح کرده ای چنین جوابی را مد نظر دارم. قبل از جواب جا دارد از تمام رفقایایی که در انتشار این همکاری میکنند... تشکر و قدردانی کرد.

۱. من از طریق سایت جوانان نشریه را میخوانم.

۲. بله به دیگران میدهم.

۳. قسمت نامه های شما و به خصوص جواب به سولات.

۴. شماره های قبلی را تماما به نظر نمی آورم. اما شماره ۷۵ را که بیشترین جذابیت را برای خواندن شماره های بعدی در من ایجاد کرد، به عنوان محبوبترین شماره جوانان کمونیست انتخاب میکنم. جوابهای کامل رحمان حسین زاده در مصاحبه با شما، با عنوان «جوانان در کردستان»، و مقاله سامره شریف با عنوان «من فقط یک دخترم!» که با تمام احساسات واقعی اش خواننده را به جامعه ای مدرن و ضد مذهب معرفی میکند، بعنوان نمونه انتخاب میکنم.

۵. قبل از آنکه به ایرادات بپردازم به عنوان یک جوان ۲۵ ساله باید بگویم که مباحثات این نشریه را منعکس کننده تمام معضلاتی که جنبش های ارتجاعی و حاکمیت اسلامی برای رشد نسل جوان سد راه کرده می بینم. تصویری شفاف از مبارزه برای برچیدن این بساط قاتلین با تمام افکار پوسیده و گندیده شان را جلوی پای این نسل از انقلابی ها میگذارد و اگر به اعتراضات اخیر دانشجویی بنگرد جایگاه کمونیستهای این دوره را پیدا خواهید کرد. و حال ایرادت کار ما: نسل امروز مزخرفات مذهبی و عقب ماندگی فکری را (برسمیت) نمی شناسد و باید هم نشناسد. آنها در عصر اینترنت و تکامل دنیای سرمایه داری رشد کرده و روزانه به مدرنیسم غربی نزدیکتر میشوند، دکانداران فرع مذهب و فلان صوفی چرکین را مسخره میکنند و خدا و دلالانش را قبل از آنکه ما بهشون بگیم دست میگیرند. خوب! حتما لزومی ندارد بجای افشاء کردن سیاستهای کثیف بورژوازی عقب افتاده به این مزخرفات (مذهبی) بپردازیم. مشکلات نسل جدید ناشستن تکنولوژی و صنایع پیشرفته است، نداشتن امکانات عالی تحصیلی است که بتواند نیرو و قدرتش را بیشتر ثابت کند. تنها پیشنهادی که دارم اینست که در ارتباط با فقر و

بی امکاناتی که سرمایه داری عقب افتاده ایران بر دوش جوانان تحمیل کرده بحث و مطلب داشته باشیم. بیشتر این نسل آزادی و برابری را در گرو اقتصاد بهتر، رفاه و خوشبختی را در گرو جامعه ای بدون طبقه می بیند. این نیروی ماست. فکر کنم جواب سولات ۶ و ۷ را هم دادم.

۸. لحن یک مبارز کمونیست بیشتر از این باید (تعرضی؟) باشد. بر فرض من به یک جلا جلا خونخوار عقب افتاده به غیر از خمینی جلا جلا و کودن چه باید بگویم؟ و یا به ماشین شکنجه و سرکوب کوتاه فکرهای «عزیز» اسلامی، خراسلام نگویم طالبان و حزب الله و حماس و جماعت منفجره از من حالی میشوند؟ و یا به دستگاه مخوف ساواک و گرد و خاک پرستهای ایران بگویم مدافعین حرمت و شخصیت آدمهای زیر دست؟! آیا منصفانه است؟ اگر ناسیونالیسم و قوم پرستی را در کمپ ارتجاع و عقب افتادگی قرار ندهم مگر غیر از مزدوری برای دولتهای بورژوازی چیز دیگری از آن برداشت میشود؟ مخالف ادبیات و لحنی که واقعیت را از گرد پاک میکند، نیستم. چه بهتر که آدم رک و بی غل و غش حرفشو بزنه. زبان آدمها پر احساس و واقعی است.

۹. تا جایی که نشریات عمومی را دیده ام این نشریه هیچ مشکل خاصی از لحاظ شکل و صفحه آرایی فکر نکنم داشته باشد.

آشنا میشود، هنوز ناباور است (این اواخر کمتر) که کاری بشود کرد. گرفتاری روزمره زندگی مجاله اش کرده است. دوست دیگری هم هست که حزب را قبول دارد اما او هم دچار حالت دوست قبلی است. خلاصه این است که می بینید. اما ایراد و اشکال در کار شما فعلا چیزی به نظر من نمی رسد و میخواستم از شماره مخصوص منصور حکمت تشکر کنم. فوق العاده جالب و خواندنی بود. من را به قول معروف دچار نوستالژی کرد. برد به گذشته و یاد رفقای از دست رفته.

نشریه شما برای من جالب است چرا که نسل جدیدی را معرفی میکند که پا به عرصه گذاشته اند. و نقش آن همین بس که این نسل جدید را به همه میشناساند. در پایان سه سالگی انتشار این نشریه را تبریک میگویم و امیدوارم که در کارتان موفق و پیروز باشید.

غولی که حکمت گفته بود! اسد حکمت از اصفهان

به تمام رفقای دوست داشتنی و عزیز تر از جانم در سازمان جوانان کمونیست!

نمی دانم با چه زبانی از تلاش های بی وقفه شما در سازمان دادن چنین نشریه بزرگ و رادیکالی قدرتی کنم. ولی هیچ چیز به نظر من برای شما خوشحال کننده تر از این نیست که امروز نشریه جوانان کمونیست به یکی از پر طرفدار ترین و داغ ترین نشریات اپوزیسیون بدل شده است...

به لطف شفاف شدن اوضاع سیاسی ایران و جهت گیریهای سیاسی حزب دیگر حتی راست ترین منتقدین سازمان جوانان و حزب نمی توانند منکر محبوبیت این حزب چه باشند.

.. اما جواب به سولات شما:

۱. یکی از بزرگترین امتیازات مثبت حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان نظم در چاپ و پخش نشریات، مقالات، اطلاعیه ها و نظرات حزب راجع به موارد مختلف میباشد. من نشریه را بعد از ظهر هر جمعه توسط خود سازمان دریافت میدارم.

۲. معرفی نشریه یکی از مهمترین کارهای ما است. من شخصا نشریه را به ... نفر میرسانم. البته تعداد زیادی هم میشناسم که خودشان با مراجعه به سایت روزنه نشریه را دریافت میکنند.

۳. مطالب به قدری جالب هستند که پاسخ دادن به سوال شما کمی سخت است. ولی مصاحبه های بهرام مدرسی و علی جوادی از زیبایی خاصی برخوردارند.

۴. پاسخ های مصطفی صابر همیشه برایم جالب است.

۵. من ایرادی در مسئولین نشریه نمی بینم ولی طرح بعضی

سوال های ساده از طرف بعضی دوستان (ایراد دارد). بعضی وقتها خسته کننده است...

۶. نشریه جوانان کمونیست را اگر بخواهیم ارزیابی کنیم باید بررسی مان معطوف به موقعیت حزب در جامعه در ایران می شود. غولی که سه سال پیش منصور حکمت از فراگیر شدن آن خبر داده بود امروز از نظر برد سیاسی اجتماعی تقریباً بی رقیب هست. و اگر یک بررسی دقیقتر کنیم بعد از انترناسیونال هفتگی نشریه جوانان کمونیست از جذابیت بیشتری برخوردار است.

۷. البته اکنون نشریه با وجود تمام مشکلاتی که در ایران از نظر امنیتی وجود دارد از نظر تعداد خواننده در سطح قابل قبولی می باشد... با این حالت چند پیشنهاد: ۱. مصاحبه به صورت هفته به هفته با لیدر حزب کوروش مدرسی. ۲. اختصاص دادن بخشی از مجله به قسمت میز گرد بین جوانان با لیدران حزب با موضوع از پیش تعیین شده برای هر هفته. اگر موضوع مباحث از طرف خوانندگان باشد بسیار جالب تر است.

۸. نثر و لحن نویسندگان نشریه بر خلاف باقی چپ های سنتی که بقول منصور حکمت به زبان خودشان حرف میزنند لحنی ساده، صمیمی و گرم است. حتی کسانی که آشنایی چندانی با سیاست ندارند ۹۰ درصد مطالب را درک میکنند و این یک نقه قوت نشریه محسوب میشود.

۹. از نظر صفحه بندی در سطح چندان قابل قبولی نیست. انترناسیونال هفتگی و ایسکرا صفحه آرایی زیبایی دارند و ادامه مطلب را راحت میتوان پیگیری کرد. البته شاید این هم به علت صفحات نشریه باشد.

۱۰. به نظر من تعداد صفحات نشریه کافی است و امیدوارم در همین سطح بماند.

۱۱. در مورد قسمت نامه ها از تلاشهای رفیق عزیز بهرام مدرسی تشکر میکنم...

۱۲. یکی دیگر از ابتکارات حزب قسمت لینک ها می باشد که خواسته ها و نظرات مردم را به زبانی ساده و زمینی مطرح میکند و از علی فرهنگ بسیار ممنون.

ستاد

مبارزات جوانان!؟

نسان نودینیان

رفقای عزیز! سازمان جوانان کمونیست.

رفیق مصطفی صابر عزیز! سر دبیر نشریه جوانان کمونیست. با سلامهای گرم، پیشاپیش، سومین سالگرد فعالیت نشریه جوانان کمونیست را تبریک میگویم.

بعنوان یک خواننده نشریه شما، در این نامه کوتاه ابراز علاقه و

سپاسی ام را به این نشریه و فعالیتهای دوستان ما در ایران حول نشریه جوانان کمونیست را، اعلام میکنم. بالاخره از انقلاب ۵۷ بعد که ما نسل فعال این انقلاب و جنبش کمونیستی قبل و بعد از آن هستیم، شاهدیم انقلاب آتی ایران با نسل جدیدی شکل میگیرد. انقلاب آتی برای رهایی از نابرابری طبقاتی، ستم و خرافات و رهایی از مذهب و اسلام سیاسی و هر آنچه بشر امروز را تحت نام مالکیت، خانواده و میهن و ملت به انقیاد میکشد، با اراده، ابتکار و شور انقلابی نسل امروز جوانان کمونیست هر روز بیشتر از قبل پیشروی میکند. و یک جامعه مدرن، سولارا و سوسیالیستی را نوید میدهد.

به نظر من نشریه جوانان کمونیست در این راستا موفق بوده است. جدلهای این نشریه با فعالین داخل کشور، مصافهای این نشریه شیرین و خواندنی علیه ناسیونالیسم، ستم بر زنان، مذهب و اسلام سیاسی و خرافه های نیروی عادت، برجسته است. خواندنی و شیرین هستند و بویژه در جدلهای پرداختن به نامه هایی که برای جوانان کمونیست ارسال میشود. و آیا به نظر شما نشریه جوانان کمونیست نمیتواند وارد دوره جدیدتری از فعالیت بشود و ظرف ابراز مبارزات خیابانی و ابتکارات عملی تری در شهرها، دانشگاه ها و مدارس و محلات شود؟ آیا این نشریه خلاف جریان و سیاسی با این همه خواننده و طرفدار در ایران نمیتواند به مرکز و ستاد مبارزات جوانان در محلات تبدیل شود. و کنترل محلات از طریق ابتکارات سازمان جوانان کمونیست تضمین شود؟

جهت اطلاع در آلمان، نشریه جوانان کمونیست توسط واحدهای حزب در بیشتر شهرها بازتکثیر میشود و از طریق خانه های حزب و میزهای کتاب برای جوانان و علاقمند به جوانان کمونیست قابل دسترس است. دست مصطفی صابر عزیز سردبیر جوانان کمونیست، و بهرام مدرسی دبیر سازمان جوانان کمونیست را بگرمی میفشارم.

مجددا، برایتان از صمیم قلب آرزوی بیشترین موفقیت و پیروزی را دارم.

نسان نودینیان
۲۵ اوت ۲۰۰۳



اولین سرمقاله از جوانان کمونیست شماره ۱



بهرام مدرسی

این نسل از حاکمیت اسلامی چیزی جز سرکوب خشن، محرومیت سیاسی، فرهنگی، بیکاری و ناامنی اقتصادی و اجتماعی نبوده است. توقعات و باورهای روزمره این نسل نتنها

اولین شماره "جوانان کمونیست" نشریه سازمان جوانان کمونیست را در دست دارید. انتشار این نشریه به تصویب کمیته مرکزی منتخب کنگره اول رسید و سردبیری آن به عهده من گذاشته شد. این نشریه جمعه‌های هر هفته منتشر می‌شود. آنچه که انتشار چنین نشریه‌ای را ضروری می‌کند در درجه اول نمایندگی شدن کمونیسم کارگری در جنبش جوانان و جنبش دانشجویی است. بیش از نیمی از جامعه ایران را جوانان تشکیل می‌دهند و این در حالی است که سهم بخش اعظم

و اقتصادی و اجتماعی خود ندارد، این سیاست به شکست خواهد انجامید چراکه خواست مردم و در اینجا جوانان برای آزادی، رفاه، برابری، و جامعه‌ای بری از جهل و خرافه اسلامی چندان قوی است که موج سرکوبی‌های اخیرشان تنها عزم مردم را در کنار زدنشان بیشتر خواهد کرد. جمهوری اسلامی رفتنی است این دیگر واقعیتی هرروزه در کوچه و محله برای همه است. سوال اما اینست که چه نیرویی و چه حکومت سیاسی باید جای جمهوری اسلامی را بگیرد؟ جواب هرچه باشد، از دوحال خارج نخواهد بود: یا حکومتی راست با هدف حفظ ارکان رژیم سرمایه‌داری که استفاده خودش را از رژیم اسلامی کرده‌است، کیسه خود را از صدقه سر سرکوب رژیم اسلامی پر کرده‌است و دست به شکلی دیگر از حاکمیت خود می‌برد و یا

قرابتی با اسلام و جمهوری اسلامی ندارد که دقیقاً ضد آن و مخالف آن است. نسل جوان در ایران هنوز جنگ اصلی را با رژیم اسلامی نکرده‌است. استفاده این نسل معترض از امکانات اجتماعی که خود یکی از بانیان ایجاد آن بود از یکطرف و شکست پروژه دوم خرداد برای بزرگ کردن رژیم اسلامی از طرف دیگر شرایط سیاسی بسیار حساسی را ایجاد کرده است. ترس رژیم اسلامی از انفجار این شرایط را میتوان از بساط اعدام و شلاق زنی و صدور احکام اسلامیشان علیه مردم و جوانان دید. با برچیده شدن بساط جبهه دوم خرداد و تمام شلنگ تخته‌بازی‌های وابستگان به این جبهه راه دیگری جز سرکوب علنی برای هر دو جناح رژیم باقی نمانده است. این سیاست به شکست خواهد انجامید. چرا که رژیم اسلامی جوابی برای بن‌بست‌های سیاسی

حکومتی چپ و سوسیالیستی که اساساً نفعی در حفظ هیچیک از ارکان رژیم سرمایه‌داری و نماینده اسلامی آن ندارد. جنبش کمونیسم کارگری نمایندگی جوانان دوم را می‌کشد. سازمان جوانان کمونیست و نشریه "جوانان کمونیست" متعلق به این جنبش هستند. جنبشی که دشمن استثمار و نابرابری، تبعیض و بی‌عدالتی، فقر و محرومیت، زن‌ستیزی و بیحقوقی سیاسی است. جنبشی مخالف مذهب، ملیت و خرافه‌پرستی است. جنبشی که مبنایش آزادی، برابری و عشق به هموع است. جنبشی که شعارش سرنگونی رژیم اسلامی، نابودی نظام سرمایه‌داری و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی در ایران است. نشریه "جوانان کمونیست" نماینده این هدف در جنبش جوانان است برای این نشریه بنویسید و آنرا پخش و تکثیر کنید.

رضایت بخش نیست. باید حجم و کیفیت کارمان صدها مرتبه بیشتر و بهتر شود. اینطور بگویم، ظرفیت کاری که می‌توانیم با آنچه که می‌کنیم هنوز قابل قیاس نیست. **جوانان کمونیست:** آینده کار نشریه جوانان کمونیست را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ترباشهایی: من به آینده جوان کمونیست بسیار خوشبین هستم. ایده‌های زیادی در مورد بهتر کردن آن داریم. علاقمندان زیادی برای همکاری با نشریه ابراز علاقه و آمادگی کرده‌اند. تعداد بیشتری از ایران با نشریه مکاتبه می‌کنند و به خواندگانش اضافه می‌شود. همانطور که گفتم کاری که می‌کنیم با کاری که می‌توانیم بکنیم قابل قیاس نیست. این نشریه میتواند جمعیت عظیمی از جوانان در ایران و خارج کشور را گرد خود جمع کند و باید اینطور بشود.

جوانان کمونیست: اوضاع سیاسی ایران بشدت متحول است. نشریه جوانان کمونیست میخواهد در کجای این آینده قرار گیرد؟ **ترباشهایی:** به اعتقاد من نشریه جوانان کمونیست میتواند در آینده تحولات سیاسی در ایران نقش مهم و بسیار مؤثری بازی کند. جوانان اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند. جلب این جمعیت به مطالبات، حرفها، آلترناتیوهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جوانان کمونیست، بی‌تردید میتواند نقش تعیین کننده‌ای در تحولات آتی ایران ایفا کند. جوان کمونیست میتواند و باید سخنگو و راهنمای آن میلیونها جوانی در ایران باشد که در نفرت از حکومت اسلامی در جستجوی آینده‌ای بهتر و انسانی است. جوانانی که میتوانند ماتریال انسانی سازندگان یک دنیای بهتر باشند. این آن آینده‌ای است که باید شکل بگیرد و جوانان کمونیست میتواند در این راه نقش مهمی ایفا کند.



مسائل مهم زیادی در مورد جوانان هست که نشریه باید به آنها پردازد که هنوز نپرداخته. نقش جوانان در نشریه باید بسیار بیش از این شود. بخاطر حُققان هنوز میلیونها جوان مترقی در ایران جوانان کمونیست، نشریه خودشان را، آنطور که باید نشانخته‌اند. جوانان کمونیست باید تربیون عمیق ترین آزادیخواهی، ترقیخواهی و تساوی طلبی جوانان در ایران باشد. من شخصا به آینده نشریه جوان کمونیست بسیار امیدوارم و خوشبین هستم. و آنرا ظرف مناسبی برای نقشی که میخواهد ایفا کند می‌دانم. نقش و وزن جوانان در تحولات سیاسی آینده ایران، تنوع مطالبات و خواسته‌هایشان و ابعاد هولناک بیحقوقی شان در یک حکومت اسلامی، آنقدر عظیم است که ما می‌بایست مطالبات و موضوعات متنوع و بی‌شماری از وضعیت آنها را منعکس می‌کنیم. از آزادی رابطه جنسی، تا نقش کنکور، لباس و پارتی جوانان و معاشرت‌ها و مشغله‌ها و گرفتاری‌های جوانان، تا اعتصاب و تظاهرات و گزارش اجتماعات جوانان، جایش در نشریه جوانان کمونیست است. ما به درجه‌ای موفق شده ایم که خواسته‌های زندگی و گرفتاری‌های جوانان را منعکس کنیم و خطوط عمومی مطالبات پیشرو در این مورد را تبلیغ کنیم. اما این هنوز

شما بعنوان سردبیر آن چیست؟ **ترباشهایی:** مهمترین شاخص‌های موفقیت یک نشریه، قابل دسترس بودن، تیراژ، نظر خوانندگان و متعدد بودن به چهارچوب اهداف تعریف شده‌اش است. جوانان کمونیست رایگان است و بعلاوه به سادگی از طریق سایت‌های اینترنتی روزنه و جوانان کمونیست قابل دسترسی است. طبق گزارشاتی هم که بدست ما رسیده است جوانان کمونیست در شهرهای مختلف کردستان، تهران، قزوین، تبریز، شیراز، اصفهان، و در جمع‌ها و محافل جوانان و دانشجویان پخش می‌شود. در خارج کشور هم در اغلب کشورهای مهم اروپایی و آمریکای شمالی مرکز تجمع ایرانیان، در ترکیه و پاکستان و روسیه منظم پخش می‌شود. به این ترتیب میتوان گفت که نشریه تا حدود زیادی در دسترس جوانان قرار گرفته است و بسیاری از جوان در خارج کشور و در داخل ایران آن را میشناسند. نامه‌های زیادی حاوی اظهار نظرهای خوانندگان دریافت می‌کنیم. مردم از شکل و شمایل آن و موضوعات آن بخصوص آنچه که به مسائل جوانان می‌پردازد، خوششان می‌آید. اما همه اینها هنوز به این معنی نیست که که توانسته‌ایم به نیازهای جوانان مترقی و آزادیخواه آنطور که میخواهیم و آنطور که قرار است، پاسخ بدهیم. هنوز راه زیادی در پیش داریم.

در آغاز دومین سال کجا ایستاده بودیم؟

گوشه‌هایی از مصاحبه ترباشهایی
سردبیر وقت جوانان کمونیست
از شماره ۵۴

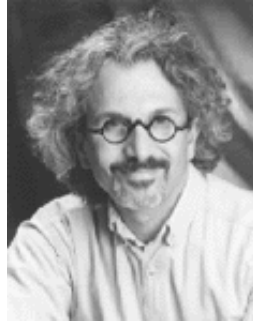
خردادی نگاه کنید! تمایلات طبیعی جوانان را "عکس العمل افراطی" به فشار می‌دانند! و همه تلاششان درست کردن هویت اسلامی در مقابل هویت سکولار است. خلا یک نشریه‌ای که بی قید و شرط همه جا و در همه حال از مطالبات جوانان حرف بزند و از آنها و خواسته‌هایشان بی قید و شرط حمایت کند و برایشان حمایت جلب کند، و راههای رسیدن به خواسته‌هایشان را نشان دهد، چیزی بود که انتشار نشریه سازمان جوانان را به یک ضرورت تبدیل کرد. ... به جرات میتوان گفت که امروز این تنها کمونیست‌های کارگری و نشریات و جوانان کمونیست است که از رفاه، برابری، آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان، آزادی کامل روابط جنسی بزرگسالان یا یکدیگر، برابری زن و مرد، آزادی بی قید و شرط پوشش، آزادی داشتن و نداشتن مذهب، آزادی تشکل و اجتماعات و همه آزادی‌های فردی و اجتماعی و سیاسی حرف می‌زند و در عمل هم برای احیای آنها مبارزه می‌کند. کمونیست‌های جوان مبشر رفاه، آزادی و برابری، در صفوف قشر جوانان در ایران اند. نمایندگی کردن این کمونیستها، کار نشریه جوانان کمونیست است. **جوانان کمونیست:** آیا نشریه به این نیاز پاسخ داده است؟ ارزیابی

جوانان کمونیست: نهم شهریور جوانان کمونیست یک سال از تاریخ انتشار خود را پشت سر می‌گذارد. نشریه جوانان کمونیست در پاسخ به چه نیازهای سیاسی ضروری شد؟ **ترباشهایی:** ... به اعتقاد من نشریه جوانان کمونیست پاسخی به نیاز جوانان ایران است برای آشنایی با تمام حقوق بی چون و چرای انسانی شان و راههای رسیدن به آن همین امروز و فوراً! نشریات فارسی زبان زیادی بنام و برای جوانان در ایران و خارج کشور منتشر می‌شود. اغلب این نشریات به این خاطر که در یک چهارچوب سیاسی - فرهنگی محدود کننده اسپراند، نمی‌توانند خواسته‌های جوانان ترقیخواه و آزاداندیش ایران را منعکس کنند. این نشریات خود غالباً موانع جدی در مقابل احقاق حقوق انسانی جوانان ایجاد می‌کنند. مثلاً یکی گرفتار عظمت ملی‌اش است و به این خاطر برای جوان ایرانی بجای هویت انسانی هویت ملی می‌تراشد! دیگری همه تلاشش "اسلامی" و "شرق زده" کردن جوانان و به این طریق نجات حکومت اسلامی است! به روزنامه‌های سلطنت طلبان و بقیه جریان‌های ملی نگاه کنید که چگونه هم و غم شان نه احیای حقوق انسانی جوانان، که تراشیدن بهانه‌ای است برای افتخار آمیز کردن هویت ایرانی! به روزنامه‌های ملی و مذهبی، دگراندیش و دو

و سال سوم:

این تیم پر شمار نشریه

گفتگوی علی جوادی با مصطفی صابر به مناسبت سومین سال جوانان کمونیست



حال پیشروی است. بویژه در عرض چند سال گذشته تعداد بسیار زیادی از جوانان تحت تاثیر فعالیت های حزب و سازمان جوانان، کمونیست شده اند. در مدت فعالیت در این نشریه میتوانم حتی کسانی را با اسم رسم و نوشته هایشان در ذهن خود مجسم کنم که چگونه از آزادیخواهی که با توهامات لیبرالی آغشته بود و یا حتی از یک ضد کمونیسم «خودبخودی» تحت تاثیر تبلیغات حاکم و یا از تلقیات عقب مانده ای که از کمونیسم سنتی و بورژوازی گرفته بودند، بریند و به ما پیوستند. در نتیجه یک دسته سوم بسرعت در حال رشد است: کمونیست کارگری ها!

علی جوادی: کمونیسم کارگری برای نسل جوان که شکافی او را از سالهای ۵۷ و تحولات آن دوره جدا میکند چه جذباتی دارد؟ نقاط توجه کدامند؟ چگونه به این نیرو نگاه میکنید؟

مصطفی صابر: نسل جوان دنیایش را با عینک ۵۷ نمی بیند. البته به تجربیات ۵۷ خیلی به دقت و حتی با احترام گوش میدهد اما خوشبختانه جهانی اش را از دنیای حاضر میگیرد. اگر این خاصیت را در نسل جوان قبول کنیم تنها کمونیسم کارگری است که دارد همینطور به دنیا نگاه میکند. جذبات کمونیسم کارگری هم برای نسل جوان دقیقا از همین سر است. نسل جوان نه فقط در ایران که در جهان از آنچیزی که دهه هاست به اسم کمونیسم (منظور کمونیسم روسی و انواع کمونیسم های بورژوازی) و یا در نقد این کمونیسم به خورد دنیا داده اند خسته است. دنبال راه حل واقعی و جدید میگردد. اینرا منصور حکمت دارد.

علی جوادی: برگردیم به نشریه. بدترین شماره نشریهات کدام بوده؟

مصطفی صابر: راستش شماره های اول که سردبیری کردم به

علی جوادی: از کارت راضی هستی؟ کارت را دوست داری؟

مصطفی صابر: راضی هستم و هم نیستم. نشریه جوانان کمونیست در مدت اخیر قدم های دیگری به جلو برداشته که منم از ادای سهم خودم راضی ام. اما اینکه این همان چیزی است که باید باشیم، نه راضی نیستم. این کار را البته دوست دارم. بسیار بیشتر از آنچه ابتدا فکر میکردم.

علی جوادی: چقدر دوست و رفیق در این مدت پیدا کردی؟

مصطفی صابر: این شیرین ترین وجه کارم هست. دوستان جوان و پرشوری یافتیم که جز از طریق این نشریه سعادت آشنایی شان را شاید پیدا نمی کردم. کسانی که برای نشریه نامه مینویسند و یا هر وقت در چت روم یاهو گیرم می آرند سوالات و نظرات تند و تیزی را مطرح میکنند و دنیای سرحال و پر هیجان و فعال و بی تعارفشان را به منم ارزانی میکنند. این نشریه باعث شد که برخی دوستانی را که قبلا میشناختم بهتر بشناسم، با آنها نزدیکتر بشوم.

علی جوادی: چقدر در این مدت از قدرت پیشروی کمونیسم در میان جوانان میتوانی صحبت کنی؟

مصطفی صابر: کمونیسم به نظر من دو جور برای جوانان مطرح است. (البته همیشه سایه روشن های زیادی در واقعیت هست. یکی آنها که خودشان را کمونیست میدانند و مطالعاتی در این زمینه کرده اند. اینها تعدادشان در اقلیت است. دیگری گروهی از جوانان که دارند به زبان خودشان حرفهای کمونیستها را میزنند ولی شاید حتی سمپاتی ای هم به کمونیسم نداشته باشند. اینها تعدادشان خیلی زیاد است و ذهن بسیار شفاف و بکری برای جذب ایده های کمونیسم کارگری دارند. کمونیسم کارگری در بین هر دو گروه بسرعت در

در سالگرد جوانان کمونیست معمولا رسم بر این است که سردبیر و همکاران سردبیر مصاحبه ها و گفتگوها را انجام میدهند. و سؤالاتی را در مقابل او قرار میدهند و بعضا با او جدل میکنند. در این شماره جوانان کمونیست این رسم زیر پا گذاشته شده است. دوست دارم صفحه را برگردانم و با مصطفی صابر دوست عزیزم در باره نشریه به گفتگو بنشینم. از کارش بپرسم و با او در مورد فعالیتش در جوانان کمونیست بحث و گفتگو کنم و با هم ببینیم که جوانان کمونیست به کجا قرار است برود. به این گفتگو توجه کنید! خواندنی است! علی جوادی

گفتگو با سردبیر

علی جوادی: زمانیکه سردبیری نشریه را به دست گرفتی چه تصویری از کارت داشتی؟ اصلا چرا سردبیری این نشریه را به عهده گرفتی؟

مصطفی صابر: مدتها بود که در فکر درآوردن یک نشریه بودم و میدانستم یک نشریه کمونیستی پرشور و صریح و سنت شکن خیلی زود جا باز میکند. اتفاقی که پیش آمد همان موقع ثریا شهابی سردبیر وقت جوانان کمونیست به خاطر ناراحتی کردن امکان ادامه این کار را نداشت. کوروش مدرسی سردبیری نشریه را با من مطرح کرد. اهمیتش را البته میفهمیدم ولی این که خودم را بعنوان سردبیر این نشریه تصویر کنم، برایمان روشن نبود. توضیحات کوروش و بعد ثریا و بهرام و رفقای دیگر بیشتر به من این تصویر را داد. جا دار از همه این رفقا تشکر کنم بخاطر زحمات قبلی و فعلی و نقش شان. بویژه کوروش تصویر روشن و دقیقی از اینکه نشریه باید به کجا برود جلوی من گذاشت و این کمک کرد.

نظم جالب نیستند. مضمون آنها بد نبود، چیز غلطی هم در آنها نبود اما رویهم رفته جذاب و سرحال نبودند. مخصوصا صفحه بندی در آن ابتدای کار من خیلی بدتر از امروز بود. بعدا بهتر شد. (بویژه فاتح بهرامی کمک های خوبی کرد.) ولی دنیا را چه دیدید ممکن است شش ماه دیگر به امروز برگردیم و همین حرفها را در مورد شماره های اخیر بزنیم. باید الگوهای جدیدی را کشف کند. باید به راهی برود که قبلا پیموده نشده است.

علی جوادی: بهترین شماره نشریهات کدام بوده؟ جذباتش برات چی بود؟

مصطفی صابر: شماره ۹۷ ویژه سالگرد درگذشت منصور حکمت جذاب تر از باقی بود. اینرا هم البته از حکمت داریم و احترامی که بین دوستان خود برانگیخته است. آدم های بسیار مختلفی راجع به او نوشتند و خواندنی بود.

علی جوادی: شاخص خوب بودن و بد بودن نشریه برات چیست؟

مصطفی صابر: قبل از هر چیزی نشریه باید غافگیر کننده باشد. خواننده نباید حدس بزند که شما چه میخواهید بگویید. باید پر از سورپرایز باشد. باید او را به هیجان بیاورد، سوال برانگیز باشد و جواب سوالهای واقعی را بدهد. در عین حال نشریه باید خط سیاسی روشن و تیزی را دنبال کند. باید بداند که مخاطب خود را به کجا می برد. در همانحال باید اجازه بدهد که مخاطبین در حیات نشریه دخالت داشته باشند، آنرا به چالش بکشند. باید اساس کارش را بر اقتناع و توضیح بگذارد و در عین حال مراقب باشد سؤالاتی که اهمیت عمومی ندارد را برجسته نکند. («سوال واقعی») مقلوبه مهمی در کار ماست. نشریه باید دائما در حال باز کردن فضای تازه و افق وسیع تر در مقابل خواننده باشد. اگر تکراری بشود و شروع کند به درجا زدن، مرگش فرا رسیده است.

علی جوادی: الگوی کارت چیست؟ اصلا الگویی داری؟ کدام نشریه را از نظر سبک کار الگو قرار دادی؟

مصطفی صابر: فکر کنم الگوی اصلی کار اینگونه نشریات کم منصور حکمت با «انترناسیونال هفتگی» بنیاد گذاشت. آن یکسال کار حکمت در هفتگی را از نزدیک دنبال کردم. اما برای جوانان مجبور

علی جوادی: آیا سبک و سیاق تاکتونی نشریات حزبی برای کارت یک محدوده تنگ نیست؟ آیا فکر نمیکنی باید ویژگیهای دیگری به این نشریه بخشید؟ نیازهای متفاوت تری را پاسخ داد؟

مصطفی صابر: تا اینجا که احساس نکرده ام محدوده تنگی است. اگر محدوده ای تنگ بشود لابد نیازهای جدیدی طرح شده که باید آن محدوده را شکست و چهارچوبه جدیدی تعریف کرد. خاصیت حزب و سازمان ما اینست که هیچ چهارچوبه ای برایش در خود مقدس نیست. نیازهای جدید را می بیند و چهارچوبه های جدید را تعریف میکند.

علی جوادی: چقدر وقت صرف در آوردن هر شماره نشریه میکنی؟

مصطفی صابر: کارهای مختلف نشریه، از تایپ و ادیت و صفحه بندی تا ترتیب دادن مصاحبه و نوشتن و پاسخ به نامه ها و غیره، ساعات زیادی را می بلعد. فکر کنم حول و حوش ۳۰ ساعت کار متمرکز. و این فقط وقتی است که من میگذارم. اگر وقت نویسندگان، مصاحبه شوندگان، کسانی که نامه مینویسند، کسانی که نشریه را تکثیر و توزیع میکنند و بدست خواننده میرسانند را حساب کنید، همین نشریه ۸ صفحه ای ثمره صدها ساعت کار مستقیم و غیر مستقیم آدمهای زیادی است.

علی جوادی: با این حساب چقدر وقت صرف مطالعه و مطلع نگهداشتن خودت در هفته میکنی؟ بین خودمان باشد، به حالت اصلا حسادت نمیکنم!

مصطفی صابر: شاید هم در سازمان دادن وقت خودم دست و پا چلفتی هستم. اما نشریه مثل یک

سال سوم: تیم پر شمار نشریه

نوزاد وقت گیر است. گاه نشریه باعث میشود که یکی دو روز فقط مطالعه کنم. کلا احساس می کنم که این نشریه بیشتر از آنکه مرا به روزمره کاری واداشته، باعث شده که بیشتر فکر کنم. شاید این آخری حسادت شما را برانگیزد!

علی جوادی: وقتی کار نشریه تمام میشود چه احساسی داری؟ آیا اصلا بر میگردی و یکبار دیگه نشریه را بخوانی؟

مصطفی صابر: احساس میکنم فارغ شده ام! (ما به شوخی همین لغت را بین خودمان استفاده میکنیم.) بله، بارها نگاه میکنم. میکوشم خودم را جای خواننده بگذارم و ببینم او چه میگوید.

علی جوادی: چقدر شده که برگردی و بگی آه کاشکی این نکته را طور دیگری مطرح کرده بودم؟ کاشکی به فلان مساله پرداخته بودم؟ هیچ شده موضعی را خودت بعضا نقد کنی؟

مصطفی صابر: اتفاق افتاده که بگویم آه ایترها هم میشد بگی، آه این یکی جا ماند. معمولا نسبت به مطالبی که دم آخر و تند و تند آماده میکنم این احساس را دارم.

علی جوادی: یک تجربه خوب کاری را برای خوانندگان نقل کن، که خوشحالت کرد، خستگی تو در کرد؟

مصطفی صابر: برای نشریه ۹۸ در شرایط کاری دشواری بودم و فکر کنم دو سه شبانه روز با مختصری استراحت کار کردم. وقتی بالاخره نشریه را فرستادم به فاصله کوتاهی (که فکر کنم فقط فرصت انداختن نگاهی به نشریه بود) یکی از دوستان ایمیل برگشت زد با این مضمون: تو مبتکر ترین و خوش تیپ ترین سردبیر دنیایی!! از ته دل خندیدم. چون اگر مرا با آن قیافه میدید وحشت میکرد... ولی واقعا همه آن خستگی را از تنم بدر کرد.

علی جوادی: چرا چنین عکس العملی را در نشریه چاپ نکردی؟ خجالت میکشی؟ یا فکر میکنی نباید از کارت تعریف کنند؟

مصطفی صابر: فعلا که چاپ

کردم! اما راستش نه فقط در مورد خودم احتیاط بخرج میدهم بلکه حتی تعریف و تمجید خوانندگان از بهرام مدرسی را هم خیلی مواقع با احساس گناه نمی آورم. طبعاً خیلی خوشحالم که چنین مورد لطف جوانان هستیم. اما بنظرم اگر این زیاد از حد بشود، شاید تصویر نادرستی بدهد. اگر خودتان را جای کسی بگذارید که اول بار نشریه را میخواند و اگر ما همه تعریف و تشویق ها را بیابیم آنوقت ممکن است فکر کند ما نشریه ای در آورده ایم که سایرین ازمان تعریف کنند.

علی جوادی: دوست داری از یک تجربه بد هم یادی بکنی؟

مصطفی صابر: راستش تجربه بد زیاد نداشته ام. چند مورد انتقاداتی دریافت کرده ام که حرص مرا در آورده چرا که معلوم بود منقد از چیز دیگری ناراحت است و چیز دیگری را بهانه کرده است.

علی جوادی: آیا نشریه برای خودت جذاب و خواندنی است؟ چرا؟

مصطفی صابر: برای لحظاتی هست، برای لحظاتی نیست. بعضی بخش ها هست بعضی ها نیست. مجبورم در هیات های متفاوتی در قبال نشریه ظاهر شوم. هم مدافع آن و هم منقد آن. هم سردبیر آن و هم خواننده آن. بسته به اینکه در آن لحظه از منظر کی نگاه میکنم، نظرم عوض میشود.

علی جوادی: پروسه آماده سازی و کار برای نشریه برات چگونه است؟

مصطفی صابر: پروسه فیکس شده و از پیش تعیین شده ای نیست. تلفیقی از یک پروسه منطقی (مثلا این هفته این موضوعات مهم است باید به آنها پرداخت) و پروسه خلاق و فی البداهه (نظیر رسیدن به یک ایده جدید حین کار دیگری). گاه اوقات تا دو سه روز اول هفته هیچ چیز برای نشریه به ذهنم نمی رسد، هر چه فکر میکنم چیز جالبی به نظرم نمی رسد. و گاه از چند هفته پیش روی موضوعی فکر کرده ام و میدانم چه باید بگویم.

علی جوادی: هدف جوانان کمونیست را برای یک خواننده

جدید توضیح بده. چرا باید جوانان کمونیست را جوانان کمونیست را دست به دست بگرداند و بخواند و به دیگران بدهند؟

مصطفی صابر: ما به دنیای حاضر اعتراض داریم. میخواهیم عوضش کنیم. طوری که آدم بودن چیزی جز خلاقیت و شادی و محبت معنی ندهد. ما میخواهیم بشر از چیزهایی که متأسفانه هنوز خصلت اصلی جوامع را تشکیل میدهد رها شود: نابرابری، استثمار، جنگ، جهل و خرافه، توهین، تحقیر، جنایت، ستمگری، تبعیض، فحشاء، از خود بیگانگی، یاس و خلاصه یک لیست بالا بلند. هرکس اینطور فکر میکند جایش در سازمان جوانان کمونیست و این نشریه است.

علی جوادی: اگر میخواستی توجه جوانان را به این نشریه جلب کنی چی فریاد میزدی؟

مصطفی صابر: میگویم ما حرف داریم، حرفهای شما! ما اعتراض داریم، اعتراض شما!

علی جوادی: آیا این پاسخ کلی نیست؟ کدام جوانان؟ کدام اعتراض؟ کدام حرفها؟ در مقابل این انتقاد که جوانان را طیف یکدست با یک سری مسائل یکسان تصور میکنی چه میگویی؟

مصطفی صابر: خوب آخر شما گفتید چه فریاد میزنم. معلوم است در فریاد زدن نمی شود مقاله خواند. باید یکی دو کلمه کلیدی را انتخاب کرد. من جوانان را طیف یکدستی تصور نمی کنم. واقعیت این است که شرایط امروز سرمایه داری بطورکلی و حاکمیت جمهوری اسلامی بویژه مسائل واحدی را در مقابل عموم قرار داده است. ما یک پاسخ معین به این مسائل داریم که اکثریت عظیم مردم جامعه همان را میخواهد. عین این واقعیت در مورد جوانان صادق است. خوب وقتی کسی جلوتر آمد و خواست ببیند اعتراض ما به چیست آنوقت برنامه یک دنیای بهتر را به او می دهیم. ما البته میخواهیم همه جوانان به مبارزه و تلاش برای تحقق آن برنامه و به سازمان جوانان کمونیست بپیوندند. آیا این غیر ممکن و یا ممنوع است؟ چطور بورژواها برای اهداف خود میتوانند این کار را بکنند اما این برای کمونیستها و طبقه کارگر حرام است؟

علی جوادی: چقدر این نشریه

پرواگانایو و تحریک کننده است؟ چقدر خواننده را بفکر وامیدارد؟ چقدر آموزنده است؟ چقدر افشاء کننده است؟

مصطفی صابر: به نظرم نشریه ما همه اینها بوده است. ما علیه جمهوری اسلامی دست به تحریک و آژیتاسیون میزنیم. میکوشیم نشان دهیم که رژیم چقدر ضعیف و درمانده است و مردم و جوانان چه قدرتی دارند. افشاء کردن هم در منوی ما هست. بخصوص در قبال دوم خردادی ها و آنها که میخواهند جمهوری اسلامی را نجات دهند و یا مردم را از انقلاب علیه وضع موجود باز بدارند. اما وجه مشخصه اصلی این نشریه عرضه جهانی نوبنی نوینی به جوانان است. دارد یک خط جدید سیاسی، یک افق جدید انسانی و راه و روش جدید زندگی اجتماعی یعنی همان کمونیسم کارگری را پیش پای جوانان میگذارد.

علی جوادی: کمبودهای نشریه به نظرت چیست؟

مصطفی صابر: خیلی چیزها. این نشریه باید دستکم ۱۰۰ هزار خواننده داشته باشد. باید دهها نویسنده خوش ذوق و مبتکر داشته باشد. باید صدها خواننده جدی و همکار نشریه داشته باشد. باید با آخرین تکنولوژی همراه باشد و در فرمت های مختلف قابل دسترس چه روی نت و چه بصورت چاپی منتشر شود. باید آخرین تحولات سیاسی ایران و جهان را مورد بررسی قرار دهد. باید تمامی مسائل فرهنگی و اجتماعی بویژه مربوط به جوانان را مورد بحث قرار دهد. باید آخرین دستاوردهای علم و هنر سراسر جهان را با نگاهی نقادانه به خوانندگان عرضه کند. این نشریه باید بخش ویژه و غنی برای آموزش کمونیسم و تئوری مارکس و حکمت داشته باشد. باید به یک قطب فکری و سیاسی بسیار معتبر و بسیار تعیین کننده در بین جوانان تبدیل شود. این نشریه باید سیاست های حزب کمونیست کارگری را وسیعاً مطرح کند و به ارگانی برای رهبری اعتراضات جوانان تبدیل شود... وقتی از نقطه نظر آنچه که باید باشیم نگاه کنیم ما پر از ایراد و کمبودیم و به زحمت گوشه هایی از آنچه باید باشیم را ارائه میدهم.

علی جوادی: نقاط قوت نشریه چیست؟

مصطفی صابر: این که نقطه

ضعف هایش را کم و بیش می شناسد و میخواهد آنها را مرتفع کند.

علی جوادی: شناخت نقاط

ضعف بخشی از کار است. شناخت نقاط قوت را بیشتر توضیح بده؟
مصطفی صابر: نقطه قوت ما این است که به جنبشی تعلق داریم که آینده از آن اوست. به دور برتان نگاه کنید و ببینید چند نفر واقعا از اوضاع موجود راضی است. اگر راضی نیست، میتواند به ما بپیوندد. ۹۰ درصد مردم (اگر بیشتر نه) در همین وضع اند: ناراضی، کلافه، عصبانی. این نقطه قوت ماست و ما میدانیم چطور این نقطه قوت را به سازمان به نیرو، به قدرت به دولت ارتقاء دهیم و برویم به نیروی همین معترضین بنیاد این مناسبات یعنی بردگی مزدی را بر اندازیم. سایر نقاط قوتمان یعنی حرف داشتن، صریح بودن، سنت شکنی، صداقت، مصمم بودن، جسور بودن، سازمان و انضباط داشتن و به کم راضی نبودن همه از همین جا ریشه میگیرد.

علی جوادی: کدام مباحث بیشترین حساسیت و واکنش را ایجاد کرده است؟ چه مثبت و چه منفی؟

مصطفی صابر: مباحثی که بطور مشخص در چند ماه گذشته بحث برانگیز بوده، بحث در باره سرود ای ایران، مصاحبه خود شما سر مجاهدین و سلطنت طلبان، انتشار نامه حکمت در باره شاملو، بحث های حول بزرگداشت حکمت، طنز و مسخره کردن خدا، حتی انتشار عکس پلنوم اخیر سازمان جوانان هریک بنوعی بحث بر انگیز بوده است. در مجموع فکر میکنم نتیجه مثبت بوده است. میشود دید که نشریه ما مورد توجه طیف وسیعتری از جوانان قرار گرفته است. ما توجه و بلاگ نویس ها را به خود جلب کرده ایم. در بین دانشجویان چپ بی تردید سازمان جوانان کمونیست و نشریه اش یک طرف هر بحث جدی است.

علی جوادی: تیراژ نشریه چقدر است؟ در بین چه کسانی عمدتاً توزیع میشود؟

مصطفی صابر: توزیع اینترنتی نشریه فکر کنم بالای بیست هزار است. (در همین شماره امید حدابخشی میگوید که برای ۱۷ هزار آدرس نشریه میفرستد.) برخی

سال سوم: تیم پر شمار نشریه

خوانندگان هستند که به ابتکار خود نشریه را برای لیست های خودشان ارسال میکنند. این نشریه همینطور در خارج و داخل کشور تکثیر و توزیع میشود. خوانندگان ما شاید ۸۰، ۹۰ درصد جوان و ساکن ایران هستند. اما مسن تر ها هم به نشریه ما توجه میکنند. باید تصریح کنم که برای نشریه خلاف جریانی که در شرایط جمهوری اسلامی درمی آید دشوار است که تعداد خوانندگان را بدقت بداند. ولی فکر میکنم میشود گفت که تعداد خوانندگان ما یک عدد چهار رقمی است!

علی جوادی: چقدر نشریه به نظر خودت مسائل جوانان را منعکس میکند؟ اهم این مسائل به نظرت کدامها هستند؟

مصطفی صابر: ما نشریه جوانان بطور کلی نیستیم. نشریه سازمان جوانان کمونیست هستیم. یعنی اینکه این یک نشریه سیاسی است که دارد پروژه معینی را دنبال میکند. میخواد ارگان رهبری کننده اعتراض و مبارزه جوانان علیه جمهوری اسلامی بشود و این اعتراض را در جهت آزادی و برابری و سوسیالیسم سمت دهد. با این چهارچوبه ما طبعاً به وجوه معینی از مسائل جوانان میپردازیم. تازه در همین چهارچوبه هم باید اهم و فی الا هم کرد. ما فعلاً سعی میکنیم مهمترین مسائل سیاسی و اعتراضی جاری را منعکس کنیم. سیاست ها و رهنمودهای حزب و سازمان را منظمآ توضیح دهیم. به مسائل نظری، فرهنگی و اجتماعی دست ببریم که با طرح آنها بتوانیم جوانان را از زیر نفوذ جنبش های سیاسی دیگر، خواه جنبش ملی اسلامی و دوم خردادی، خواه جنبش ناسیونالیسم پروغری و سلطنت طلب، و یا لیبرالیسم و ناسیونالیسم بطور کلی بیرون بکشیم. هنوز در ابتدای کار هستیم و نیاز داریم که آگاهترین و رادیکالترین جوانان را به سمت خودمان جلب کنیم. بطور مشخص الان نشریه ما هنوز رنگ و بوی زیادی از مبارزه علیه چه سنتی و کمونیسم کهنه و غیر کارگری دارد. به نظر من این گرچه فعلاً اجتناب ناپذیر است اما برای اکثریت عظیم نسل جوان که به معضلات فکری آن چه دچار نشده تا حدی خسته کننده و ملال آور است. ما هنوز داریم بیشتر با «مارکسیسم» کسانی

متفاوت از سوال شماست. اما فقدان دخالت زنان در نشریه (منظورم همه مباحث است) نقض بزرگتری است که باید مرتفع شود.

علی جوادی: اگر نشریه جوانان را با سایر نشریات مقایسه کنی چه نتیجه ای میگیری؟

مصطفی صابر: نشریات خاص جوانان دستپخت جمهوری اسلامی و دوم خردادی که سرنوشتشان معلوم است. با وجود همه پول و پله و امکانات به جایی نرسیدند و نمی رسند. نشریات اینترنتی از ملی مذهبی ها دیده ام که اینها هم بیش از عرضه کردن اسلام شریعتی و بازرگان در مقابل اسلام خمینی و یا پاشیدن فلفل و نمک ناسیونالیستی و ایران پرستی بر همان چیزی که شمره اش جمهوری اسلامی شده حرفی ندارند و کسی دنبال اینها نخواهد رفت. سلطنت طلبان هم ندیده ام نشریه ای برای جوانان داشته باشند که مطرح باشد. بهر حال اینها هم به نظر من حرف جدیدی برای جوانان ندارند و در بین جوانان کسی حوصله چویان و رمه بازی و سلطنت طلبی ندارد. این واقعیت که در مقابل ۸۰۰ ساعت برنامه تلویزیونی اینها همان چند ساعت کارگری و در مقابل آنهمه چهره و شخصیت آنها شما یک تنه مطرح میشوید از حال و روز اینها و نفوذشان در بین جوانان خبر میدهد. با این همه باید اعتراف کرد دسترسی همه اینها(از جمهوری اسلامی و دوم خرداد تا سلطنت طلب و جریانات راست) به جوانان به مراتب بیشتر از ما است. این نقطه ضعف بزرگ ماست.

به نظر من پرنفوذترین جریان فکری و سیاسی در بین جوانان نوعی آزادیخواهی پروغری با توهامات دمکراتیک و لیبرالی غربی است. این جریان نشریه و ارگان واحدی ندارد. اگر سراغ نشریات این جریان را بخواهید بگیرید باید به وبلاگ های بیشماری که جوانان ایران درمی آورند مراجعه کنید. ده هزار وبلاگ رقم عجیب و باورنکردنی است. این یک انقلاب اینترنتی جوانان است. بعضی از این وبلاگ ها فقط مراجعان محدودی دارند و برخی احتمالاً خوانندگان بیشتری از ما دارند. مسائل جذاب و واقعی را مطرح میکنند. زبان و ادبیات آسان و روان و موثری دارند. ولی این جریان یکدست نیست. جریانی در حال تبخیر و تجزیه و هضم شدن در جنبش های سیاسی اصلی

جامعه ایران است. اگر به اینها نگاه کنید همه جور سایه روشنی می بینید. از متمایل به ناسیونالیسم پروغری که به سلطنت طلب منجر میشود، تا متمایل به دوم خردادی های لائیک و جمهوری خواه، متمایل به جبهه ملی، متمایل به چه سنتی رادیکال و حتی نیهیلیسم و پست مدرنیسم. ولی مشخصه این جریان پر نفوذ آزادیخواهی، سنت شکنی و محتوای انقلابی و جستجوگر آنست. لذا این جریان بیش از همه، تاکید میکنم بیش از همه، متمایل به آزادیخواهی و عدالت طلبی رادیکال و مایکرمالیستی است که ما نمایندگی میکنیم. نماینده سیاسی و حزبی و روشن این جریان ما هستیم. نشریه ما میکوشد که این جریان وسیع و پر نفوذ را به خود جلب کند. میکوشد که آزادیخواهی و برابری طلبی اینها را معنی روشن و جهت دار سیاسی ببخشد و آنرا به کمونیسم کارگری ارتقاء دهد. در نتیجه اگر بخواهم به سوال شما برگردم، من شخصاً نشریه مان را فقط با این دسته آخر مقایسه میکنم. اما در قیاس با اینها مزیت ما اینست که خط روشن سیاسی داریم و به جهان بینی مارکس و حکمت مسلح ایم و اینکه پشت سرمان حزب کمونیست کارگری است. ما فقط نشریه نیستیم، ابزار متحد شدن و متحد کردن برای تغییر وضع موجود هستیم. این بزرگترین نقطه قوت ماست. جوانان کمونیست اگر خوب پیش بروند میتوانند پرخواننده ترین نشریه کمونیستی و حتی سیاسی بشود. زمینه بسیار مساعدی برای این فراهم است.

علی جوادی: چشم انداز کارت برای نشریه چیست؟ دوست داری چه جور نشریه ای جوانان کمونیست بشود؟

مصطفی صابر: فکر کنم مورد این چشم انداز به اندازه کافی صحبت کردم. اینجا فقط یک نکته را اضافه میکنم. این کافی نیست که ما پرخواننده ترین نشریه چه و کمونیستی در بین جوانان باشیم. ما الان کم و بیش در این وضعیت هستیم. سوالی که باید طرح کرد اینست که این جوانان چه و کمونیست و این کسانی که دور این نشریه جمع شده اند و خود این نشریه چقدر در بین توده وسیع جوانان اتوریته و نفوذ دارد، چقدر یک جنبش حول خود راه انداخته است. چقدر در محفل و جمع جوانان در هر حرکت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ما حضور داریم. چطور میتوانیم محلات را کنترل کنیم،

چطور میتوانیم محیط اجتماعی دور و بر خودمان را تغییر دهیم. هر وقت در خیابان انقلاب جلوی جوانها را گرفتید و از هر ده نفر، پنج نفر گفتند سازمان جوانان و نشریه اش را میشناسند، آنوقت ما به جایی رسیده ایم.

علی جوادی: بسیار خوب موانع رسیدن به این اهداف برات چیست؟ چه برنامه ای برای رسیدن به این اهداف داری؟

مصطفی صابر: باید دقت کرد که این نشریه یک سازمان است. رسیدن به اهداف فوق تنها از عهده نشریه و سردبیر بر نمی آید. همچنانکه همین نشریه موجود هم کار من نیست. راستش را بخواهید هدف اصلی از انتشار شماره ویژه برای سالگرد نشریه اساساً این هست که تیم بزرگ این نشریه را برای رسیدن به آن اهداف آماده کنیم. این میتواند شمره تلاش کل سازمان جوانان کمونیست و خوانندگان و نویسندگان نشریه باشد که به سمت اهداف فوق حرکت کنیم. فعلاً اگر بخواهم چند هدف فوری را بشمرم: ما هنوز باید به یک قطب فکری و سیاسی مطرح و قدرتمند در بین جوانان تبدیل شویم. به چنین وضعیتی نزدیک شده ایم. اما هنوز کاملاً در متن تحولات فکری و سیاسی جوانان قرار نداریم. ما هنوز این دوره وارد شدن از حاشیه به متن را پشت سر نگذاشته ایم. باید بیشتر شناخته شویم و خوانندگان بیشتری بیابیم. باید گرایشات و جنبش های سیاسی با نفوذ در بین جوانان را به چالش بکشیم. باید زیانمان را راحت تر و دلچسب تر کنیم. باید اشکال مدرن تبلیغ را یاد بگیریم. باید عرصه های جدیدی را باز کنیم. باید روی مسائلی دست بگذاریم که وسیع ترین جوانان را به خود جلب میکند. باید تعداد خوانندگانمان را در عرض چند ماه آینده دو یا سه برابر کنیم.

باید تاکید کنم که مهمترین وجه مشخصه ما این است که در صف اول مبارزه علیه جمهوری اسلامی و علیه سرمایه داری قرار داریم. باید اعتراضات همه جا مهر حضور ما، شعارهای ما، ادبیات ما و توان سازماندهی ما را داشته باشد. ما باید محلات را یک به یک فتح کنیم. باید دانشگاه ها و مدارس و محیط کار را لبریز از آرمانها و سنت های خودمان بکنیم. و جالب اینست که هرگاه اعتراضات رادیکالیسم در جامعه به سطح

نامه های شما

مريم از ايران

«بهرام جان سلام. از ارسال نشریه و مطالب واقعا سپاسگزارم. در اولین فرصت نظرم را در مورد نشریات خواهم داد. روز چهارشنبه ۵ شهریور جوان کارگری در کارگاه تولیدی پخش (سپاه پاسداران) خود کشی کرد. کارفرما با تقاضای افزایش حقوق او موافقت نکرده بود.»

ویلاگ یک شورشی

لطف کرده اند و بحث شان در ویلاگ را برابمان فرستاده اند. ویلاگ شورشی به نظر میرسد کلا طرفدار شریعتی است و میخواهد «جنبش اصیل دانشجویی» و «انجمن های اسلامی اصیل» را احیاء کند. دوست عزیز شورشی! ضمن احترام به شور و شوق شما برای عوض کردن وضع اسفبار فعلی در ایران، یادآور میشویم که برای هرگونه رهایی جدی و هر پیشرفت واقعی چه در دانشگاه و بین دانشجویان و چه در سطح جامعه باید از اسلام دست برداشت. با اسلام صحبتی از رهایی و آزادی نمی تواند باشد. دوست داشته باشید میتوانیم بیشتر در این مورد صحبت کنیم.

آرام، یکی شهرهای کردستان

طی نامه ای به بهرام مدرسی خواسته اند که به عضویت در سازمان جوانان پذیرفته شوند و خواسته اند که نشریه مرتب برایشان ارسال شود. خوش آمدی آرام عزیز.

(پوشین بوی) (ایران؟)

«وقت بخیر. آقای صابر، ضمن خسته نباشید میخواستم عرض کنم من خوشحال خواهم شد که با به فرد آگاه مانند شما صحبت داشته باشم. البته قبلا تجربه جالبی با یک مارکسیست نداشتم. در حالیکه به حرفهای ایشان کاملا محترمانه گوش دادم، وقتی من عقاید و صحبتهای خودم را گفتم، ایشان شروع به داد و فریاد و توهین کرد که چونکه دختر بودند بدون پاسخ او را به حال خود رها کردم. مسلما میدانم که شما با ایشان کاملا متفاوت هستید. قبل از هر چیز در مورد خودم بگویم که من از نظر سیاسی اعتقادی به کمونیسم ندارم و طرفدار لیبرال دمکراسی به شیوه غربی هستم. چه جمهوری باشد و یا پادشاهی مشروطه. چون آقای مدرسی گفته بود «هرکس با

مارکس، انگلس، لنین، لوگزامبورگ و... مطالعه کتابهای وابسته به این نهضت برایم دارای جذابیت شده و شروع به مطالعه در این زمینه کردم. و حالا با توجه به مطالبی که در بالا آوردم، و همچنین بعلت آنکه سازمان کمونیست کارگری را جزو فعالترین سازمانهای کمونیستی فارسی زبان در امر اطلاع رسانی میدانم، از شما درخواست میکنم در صورت امکان با پاسخ گویی به سوالاتم (به هر صورت مقذور) در این راه به من کمک برسانید.» و بعد سوالاتی را مطرح کردند.

رهای عزیز! نامه ات در آخرین لحظات بدستمان رسید. فرصت پاسخ دادن به سوالات در این شماره نیست. حتما شماره بعد به کل نامه و سوالات شما خواهیم پرداخت. اینرا فقط بعنوان خوش آمد گویی به خودت قبول کن. ما تمام تلاش خود را خواهیم کرد تا جواب دوستانی چون شما را بدهیم. ضمنا چه اسم زیبایی داری، رها!

مژگان روشن ضمیر

«مصطفی عزیز. از اینکه در مورد گوگوش و آغاسی با من هم عقیده هستی خوشحالم. همچنین از اینکه چپی بازیهای گذشته در زمینه موسیقی را به انتقاد کشیدی از تو ممنون ام. (اشاره شان به صحبت در باره جینفر لویز در شماره ۱۰۵ است). منتظر می مانم تا احيانا دوستان از گوشه و کنار در مورد مبحث جینفر اظهار عقیده کنند تا احيانا این بحث تبدیل به بحث دو نفره من و شما نشود. ولی اینرا بدانید که با چندین نکته در نوشته شما مشکل دارم که برایتان خواهم نوشت.»

اسد حکمت از اصفهان

«بهرام جان خبر ایجاد یک تلویزیون توسط حزب را شنیدم. بسیار خوشحال شدم.» همچنین اسد عزیز به مناسبت سومین سالگرد نشریه پیام تبریک و تشکر داده اند، که بسیار تشکر میکنم.

فراز اربابی (تهران)

در نامه ای به امید حدابخشی نوشته اند: «از اینکه به دلیل برخی مشکلات دیر بهتان میل میزنم عذر میخوام. قبل ازاینکه به نوشته های دوستانتان (منظورشان جواب های ما به انتقادات و ملاحظاتی آقای اربابی که در شماره ۱۰۴ و ۱۰۵ آمده بود) سوالی داشتم: ناسیونالیسم یا به عبارتی بهتر وطن پرستی در تفکرات شما و هم فکراتان چه جایگاهی دارد؟ منتظر میل تان هستم... پاینده

ایران، به امید آزادی!»
فراز عزیز! از اینکه همچنان با احساس مسئولیت جواب ما را میخوانید بدهید جدا خوشحالم و بی صبرانه منتظرم ببینم که نکات شما در باره «کمونیسم ما و پیرمردهای جبهه ملی» چیست؟ در مورد ناسیونالیسم هم در این شماره در جواب به دوست عزیز دیگری (مهیار خوشحال) نکاتی هست که شاید جواب شما هم باشد. اگر توضیحات بیشتری لازم بود حتما اطلاع دهید. پاینده شما! و زنده باد آزادی و برابری!

مسعود پرتو از ایران

«خوشحالم که نامه مرا پاسخ گفتید و خوشحالتر میشوم در فرصت مناسبی ریز نظراتم را در مورد نشریه و مقالات آن آن ارائه دهم. اما هم اینک فقط به این بسنده میکنم که بگویم در مجموع خوب است.»

در دفاع از پولیتسر

دو خواننده عزیز و دوست داشتنی ما به مقاله «خداحافظ آقای پولیتسر» در شماره قبل انتقاد و اعتراض کرده اند. یکی از دوستان در دفاع از «اصول مقدماتی فلسفه» اثر ژرژ پولیتسر نوشته اند: «... این کتاب بسیار ساده نوشته شده و با فصل بندی هم که دارد به خوبی ماتریالیسم دیالکتیک رو با ایده آلیسم مقایسه میکند. این کتاب را نباید مثل قرآن حفظ کرد، اما باید آنرا فهمید. نمی گویم این کتاب خالی از اشتباه است، نه. اما هر نوشته ای اشتباه دارد. اما خوبی های آن به بدی هاش میچربد. اگر شما این کتاب را مفید نمی دانید یک کتاب به این سادگی بنویسید و معرفی کنید که ما خواندن اون رو به کسانی که میخواهند با مارکسیسم آشنا شوند پیشنهاد کنیم. اگر ما برای اولین بار مثلا نشریه را به دانشجویی که میخواهیم آنرا با نظرات مارکسیستی آشنا کنیم بدهیم چه چیزی از مارکسیسم و سوسیالیسم یاد میگرد؟! پس فعلا سلام آقای ژرژ پولیتسر!!!! دوست دیگر نوشته اند: «... نقد شما به کتاب اصول مقدماتی بسیار سطحی بود. لاقلا اجازه میدادید که ما این کتاب را برایتان میفرستادیم تا نقد بهتری میگردید. به صرف اینکه یک کتاب را توده ای ها می خوانند که نمی توان از آن گذشت. من به دترمینیست بودن آن قدیس (پولیتسر) شک ندارم ولی باور کنید که نقد شما کسی را قانع نمی کرد. بیشتر شبیه یک داستان بود!»

دوستان عزیزم، همانطور که در نوشته ام هم بود، هنوز وارد نقد خود «اصول مقدماتی فلسفه» نشده ایم. آنجا تاثیرات و برداشت های آن کتاب را در متن چپ آن روزگار ایران، تا آنجا که شخصا برخورد داشته ام، مورد نقد قرار داده بودم. در ضمن وجه اصلی آن «داستان» نه فی الواقع مربوط به پولیتسر بلکه توضیح فشرده ای (در خلال یک تجربه شخصی) از این واقعبیت بود که چگونه متد تفکر مارکسیستی در ایران پا گرفت و چگونه کمونیسم کارگری قدم به قدم تحت تاثیر شرایط عینی و نقش تعیین کننده منصور حکمت متولد شد. برای اینکه وجه تئوریک بحث کمرنگ نشود یک بخش از بحث بسیار مهم حکمت در باره اهمیت پراتیک انقلابی که در مرکز ماتریالیسم مارکس قرار دارد را نقل کردیم. مرکز ثقل بحث این ها بود ولی شما دوستان از اینهمه به پولیتسر چسبیده اید که «آسان است و روان است»!

ولی بسیار خوشحالم که همین نوشته ها در برج عاجی که پولیتسر نزد شما یافته (که خود مارکس هم باید به او غبطه بخورد!) ترکهای ایجاد کرده است. خوست که میگوید «از اشتباه خالی نبود» که آن کتاب «بدی ها» هم دارد و اینکه «شک ندارید که آن قدیس دترمینیست» بود. خوب اگر همین اندازه هم نقد هم داشته باشید، چرا به جوانی که میخواهد بداند مارکس چه میگوید کتابی را میدهد که «از اشتباه خالی نیست»، «بی شک دترمینیست» و جبرگرا (یعنی مطلقا خلاف مارکس!) است؟ خوب مارکسیست شدن یک کمی زحمت هم دارد. چرا از مانیفست کمونیست شروع نمی کنید؟ مانیفست، ماتریالیسم پیگیر، انقلابی، پراتیک و دیالکتیکی مارکس را بنحو درخشانی نمایندگی میکند. (شاید بعدها در همین نشریه در این باره صحبت کنیم.) و اگر هم میخواهید مستقیما راجع به متد مارکسیستی بخوانید و دیگران بیاموزید چرا خودتان و دوستانتان زحمت نمی کشید و «ایدئولوژی آلمانی» و «لودویک فوئر باخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان» مارکس و انگلس را نمی خوانید؟ یا همانطور که در شماره قبل هم توصیه کردیم «سه منبع سه جز سوسیالیسم خلقی» و «آناتومی لیبرالیسم چپ» و «سینار اول کمونیسم کارگری» حکمت را مطالعه نمی کنید؟

آرش سرخ از تهران

آرش عزیز نشریه جوانان کمونیست دقیقا در ۳۰ آگوست ۲۰۰۱ شروع به کار کرد. یعنی حالا وارد سومین سال فعالیت خود میشود. پس تعطیلی در کار نبوده و مرتبا به همت بهرام مدرسی و ثریا شهابی و رفقای دیگری منتشر شده است. از اینکه تو میگویی «نشریه خودمان»، بی تعارف احساس افتخار و غرور میکنم. اینکه نشریه ما را در وبلاگ خودت معرفی کرده ای و اینکه نشریه ما حرفهای «گربه سرخ» (نام وبلاگ آرش) را میزند، همه خستگی کارها را از تن تک ما بیرون میکند. آرش جان اگر اجازه بدهی جواب مفصل تو به نامه اسد حکمت در شماره قبل (مربوط به نامه منصور حکمت در باره شاملو) را اینجا نیارم و فقط آدرس وبلاگ تو را به خوانندگان معرفی کنیم تا بحث را آنجا بخوانند. یک نامه از تو و یک نامه از اسد چاپ کردیم و اجازه بده بحث بین تو و او را به وبلاگ منتقل کنیم. (و من خوانندگان را دعوت به شرکت در این بحث میکنم). علتش هم این است که بحث در باره شاملو جای معینی دارد و نمی خواهیم از اندازه و تناسب خارج شود. (جهت اطلاع از ما نامه های دیگری در دفاع از بحث حکمت دریافت کردیم و عمدا دست نگهداشتیم). امیدوارم که تو از دست من عصبانی نشوی. این البته به معنی این نیست که در نشریه ما در باره شاملو و نامه منصور حکمت صحبت نکنیم. از جمله در همین صفحه نامه دیگری را چاپ میکنیم که شاید پاسخی

ع. ح. از مشهد

خواسته اند که نشریه را برایشان بفرستیم. دوست عزیز اگر ممکن است بیشتر مکاتبه کنید و از اوضاع مشهد و نظراتتان در مورد نشریه برایمان بنویسید.

الهه از ترکیه

الهه عزیز مقاله ات رسید. برایت نامه خصوصی فرستادیم. ما مشتاق نوشته شما هستیم.

حامد راد تهران

«بهرام جان، نمی دانم سکوت سازمان جوانان کمونیست بعنوان یک سازمان مدافع حقوق و امنیت انسانها در برابر حادثه بمب گذاری در (در نجف) عراق چیست؟ من از شما به عنوان نماینده ما کمونیستها در ایران خواستارم که در این مورد حرکتی انجام دهید.»

بهرام مدرسی: حامد جان در ارتباط با بمب گذاری ها موضوع ما روشن است. و اینها بارها گفته ایم. روزانه در عراق بمب گذاری میشود و معلوم است که ما همه را محکوم میکنیم. همین چند وقت پیش هم کلی آدم بیگناه را هم در مقر سازمان ملل منفجر کردند. در مورد اخیر گذشته از این که معلوم نیست کار کی هست و کی با کی تسویه حساب میکنند، موضع ما معلوم است. ما خواهان کوتاه شدن دست تمام نیروهای نظامی از شیعه و سنی و کرد و غیره از زندگی مردم عراق هستیم.

برای سوال خود تو هم باشد «کجا شاملو پایان کمونیسم را اعلام کرد؟!». باید تاکید کنم که مطمئن نیستم سند زیر که دوست عزیزمان مجتبی فرستاده مبنای حرف منصور حکمت بوده است. همینقدر میدانم که او بویژه وقتی از کسی نقد میکرد تا کاملا به موضوعی مطمئن نبود مطرح نمی کرد. در عین حال آن سالهای سیاه بلافاصله پس از سقوط شوروی (از ۹۱ تا ۹۲ میلادی) که نعره های مستانه بورژوازی (در باره «کمونیسم مرد»، «دمکراسی پیروز شد») و این «پایان تاریخ» و مبارزه طبقاتی است) جهان را برداشته بود، تنها وقتی است که شاملو هم میتوانسته با آن موج رفته باشد. (اگرچه حتی همین جا هم هنوز مارکس را قبول دارد.) راستش منصور حکمت و حزب او از معهود جریاناتی بودند که محکم ایستادند و گفتند نه کمونیسم نمرده است، آنچه پایان یافت کمونیسم نبود، و غیره. (آن سالها را بخوبی به یاد دارم که در همان سوئد و کانادا گفتن اینکه «من کمونیست هستم» مساوی این بود: «من دیوانه هستم» و مردم از شما فاصله میگرفتند. این وضع البته بسرعت عوض شد. چندانکه در جریان همین تظاهرات های ضد جنگ سال گذشته شخصا تجربه کردم که هرچه رادیکالتر و کمونیستی تر با مردم، بخصوص جوانها، حرف بزنی بیشتر قبولت دارند.) با این توضیحات میخواهم بگویم به احتمال خیلی زیاد مصاحبه زیر و چند سخنرانی شاملو با مضامینی مشابه در سوئد میتواند مبنای آن اظهار نظر منصور حکمت باشد. و اما آدرس «رد کت» یا

وبلاگ «ضمیر سرخ»:
http://redcat.blogspot.com

مجتبی فرازنه سوئد

متن پیاده شده بخشی از مصاحبه شاملو را برایمان فرستاده اند که از ایشان تشکر میکنیم. عین نامه ایشان:

«این مصاحبه از برنامه موزائیک، تلویزیون سوئد کانال ۱ در روز شنبه ۱۵ اکتبر ۱۹۹۴ پخش شده است.»

سوال: شما به جهان و زمانهای که در آن زندگی میکنید، چطور نگاه میکنید؟

شاملو: جواب این است که جهان و زمانه همانی است که همیشه بوده، یعنی همچنان روندی را ادامه میدهد که انسان از ماقبل تاریخش گرفتار طی کردن آن است. میگویم گرفتار، چون بهر حال این روند به هیچوجه روند دلچسبی نیست. آدمیزاد در حقیقت بصورت گروهی محکوم به اعمال شاقه به طی آن مشغول است. مراحلی که مارکس بدرستی برشمرده و چنانکه می بینیم بصورت حلقه های دوره به دوره تنگتر شونده ای به روزگار ما رسیده که از همیشه تلخ تر است و ما هم (روزگاران) از هر دوری تاریخی دیگری پریشان روزگارتر و مستأصل تر و ناامید تر به زندگی ادامه میدهیم. امید آن جراحی خونبار بزرگ نهایی هم که اسمش را انقلاب رهایی بخش جهانی گذاشته بودیم و کم و بیش صد سالی دلخوشکنک اکثریت نا امیدان بود، در آخرین لحظها مانند حباب

صابون ترکید. هر چند که اصولا امید شیرانهای بود و راهی هم به دهی نمی برد و در نهایت امر خشوتی را جانشین دیگری می کرد. من البته تخصصی در این مسائل ندارم اما فکر می کنم هیچ بیماری را با امیدواری قلابی نمی شود علاج کرد و متأسفانه می بینم تاریخی که از نخست بیمار به دنیا آمده تا امروز روند دردکشش را طی کرده و مسکن ها هم در آن کمترین تأثیری نبخشیده.

سوال: چگونه رابطهای میان شعر و سیاست فکر میکنید هست و یا اینکه اصلا باید باشد؟

شاملو: راستش این رابطه مانند رابطه بین نخود پخته با کلاه سیلندر است. یعنی هیچ جور رابطهای بین این دو تا نیست. چون هدف شعر در حقیقت یعنی در نهایت امر نجات جامعه بشری است از طریق عشق انسان به انسان از مهلکهای که سیاستچی ها (به بهانه های انواع و اقسام نظریهای ایدئولوژیک، منتها برای تثبیت قدرتهای فردی یا گروهی خود) پیش پای جوامع مختلف بشری حفر می کنند. شاعر عشقی را تبلیغ می کند که در راهش از جان می شود گذشت. در حالیکه سیاستچی چکار می کند: اولین چیزی که جامعه علم می کند یک دشمن نابکار فرضی است که سرش را باید به سنگ تفرقه کوید. گرگی برای گله می تراشد تا مقام چوپانی خودش را توجیه کند. خوب، میان جلال و محکوم چه جور رابطهای می تواند وجود داشته باشد؟»

از صفحه ۱۳

سال سوم ...

آمده و خود را مطرح کرده است ما بیشتر مطرح شده ایم. اعتراضات ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر بیش از پیش حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان و نشریه ما را مطرح کرد. در دور بعدی اعتراضات بی شک ما فراتر از گذشته مطرح خواهیم شد. پیش بینی من اینست که اگر خوب کار کنیم در مدت کوتاهی به سرعت رشد خواهیم کرد. خوب باید از همین الان خودمان را از هر لحاظ آماده کنیم.

علی جوادی: انتظار و توقع از مخاطبین و جوانان پرشوری که این نشریه را در دانشگاه و مدارس و محافل و کارخانه ها پخش میکنند چیست؟

مصطفی صابر: من از چنین جوانانی فقط میتوانم تشکر کنم. بقول خواننده عزیزمان مزدک: «همینطور برید جلو!». اما راستش باید خیلی صریح بگویم که تعداد چنین کسانی هنوز خیلی کم است. یک دلیلش اختناق جمهوری اسلامی است. و در همین رابطه این واقعیت که ما خواننده فعال کم داریم. خواننده فعال یعنی کسی نشریه را مال خودش میداند، شب و روز در فکر توسعه پخش آن است، در فکر بهبود کیفیت آنست، سر هر خط و پاراگراف آن حرف دارد و نکته دارد. به نظرم هنوز یک هزارم نیروی خوانندگان ما در این جهت به راه نیفتاده است. باید دامنه توزیع نشریه را بالا برد اما هیچ چیز جای توصیه یک دوست که «این نشریه را دیده ای؟!» را نخواهد گرفت. خواننده فعال کسی است که دائم دارد نشریه را به

نشریه تبدیل شوند.

علی جوادی: در پایان دوست داشتیم بخاطر کار خوب در سردبیری نشریه جوانان کمونیست بهت تبریک بگم. موفق باشی!

مصطفی صابر: تشکر میکنم. هم به خاطر همکاریت با نشریه و هم بخاطر این مصاحبه. و مایلم آغاز سومین سال فعالیت این نشریه را به لیست طولانی صاحبان اصلی آن تبریک بگویم. اگر بخوایم اسم بیاورم به همین شماره که نگاه کنید می بینید که خیلی زیاد است و تازه هنوز فقط کسری از واقعیت است. پس خلاصه کنم: از بهرام مدرسی که آنرا شروع کرد و اکنون کار شبانه روزی سازمان جوانان را بعهده دارد، تا رها صفایی دختر ۱۹ ساله ای که همین دیروز با یک صفحه پر از سوال زنگ در را بصدا درآورد!

لینک از صفحه ۱۶

«نه نظام فقط در رهبری خلاصه میشود و نه رهبری و برخی از نهادهای موثر نظام از جمله شورای نگهبان، مجمع تشخیص و صدا و سیما از اشتباهات مصون هستند.» فقط موجب سرور و خنده ملت را فراهم میآورد. درست است که ایرانیان ملت فراموشکاری هستند اما هنوز از آزمانی که آقایان هرگونه انتقاد از مقام معظم رهبری را توهین به ائمه اطهار و محاربه با خدا بحساب می آورندندمت زیادی نگذشته است. آقایان یا زیادی خنگ تشریف دارند یا ملت را خر فرض کرده اند که در بحبوحه نزدیکی انتخابات با چنین چرندیاتی که تاریخ مصرف آن بلافاصله بعد از انتخابات تمام خواهد شد) قصد سرکار گذاشتن چندباره ملت را دارند.

لینک

کتابها و کیسه ها و سایر آثار آیت الله



گیس گلاب

<http://gisgolab.blogspot.com>

آیت الله خمینی شاید تنها آدمی باشد در جهان که حتی بعد از مرگش هم کتاب می نویسد! البته این اصلا بد نیست، خیلی هم خوبه که آدم جبران کم کاریهاشو بعد از مرگش بکنه. اما مشکل اینجاست که طرفدارانش مدعی هستند که آیت الله این دوران زندگیشون نوشتن و اونها فقط دارن منتشرش می کنن. کجای اینکار ایراد داره؟ براتون میگویم:

امروز اخبار اعلام کرد که سازمان حمایت از اندیشه های امام (یا چیزی تو همین مایه ها) تاکنون بیش از ۸۰۰ عنوان کتاب از امام منتشر کرده که حدود ۱۳۰ موردش فقط در مورد قرآن بوده و در ادامه تصاویری از یک کتابخانه شیک با تعداد زیادی کتاب نشون داد.

من نمی دونم اینها می خواهند کی رو مسخره کنن؟ مارو یا آیت الله خمینی رو؟

فرض کنید که امام ۱۰۰ سال عمر کرده باشه (که نکرده) و از بدو تولد کتاب نوشته (که نوشته) و تا حالا (توجه کنید! تا حالا، شاید سال دیگه چند عنوان دیگه هم اضافه شود) ۸۰۰ عنوان کتاب نوشته (که مدعی هستند بیش از اینها بوده) و هر کتاب حداقل ۲۰۰ صفحه حجم داشته (تصاویری که من دیدم هر کتاب حداقل ۴۰۰ صفحه نشون میداد)، امام در ۳۶۶۰۰ روز زندگی (که همه سالهایش

سهیلا شریفی

رو هم کیسه حساب کردم که ایشون حداکثر استفاده رو از عمرشون (برن) ۱۶۰۰۰۰ صفحه مطلب نوشتن! یعنی روزی بیشتر از ۴ صفحه! مگه مریضین دروغ میگوین؟

خاک غریب

<http://gigilijonquil.persianblog.com>

و خدای که در این نزدیکیست.

چرا در حق جد بزرگوارم «آدم» چنین بی عدالتی روا شده که فقط یک زن داشته و انهم حوا؟؟ در حالی که تعدد زوجات یا همون ۴ تا عقدی و ۴۰ تا صیغه اینچنین پذیرفته شده است. اصلا ما که در اسلام که ظاهرا کاملترین تعدد زوجات را می پذیریم و خدا که زن را فقط برای راحتی مرد آفرید چرا از همون اول به ازای یک آدم ۴ تا حوا خلق نکرد تا ما هم اینقدر مجبور نباشیم به دنیا ثابت کنیم که خلقتمون مسئله و برابر! بیچاره جدم!!!

یک زندگی، یک ترانه، یک رقص

<http://12345678.persianblog.com>

مدرسه امروز رقتیم برای کامل کردن مدارک ثبت نام دخترکم... فیش و عکس و غیره را دادیم که یکی از خانومای آنجا گفت لطفا برید اون اتاق برای اندازه گیری مانتو... سه

و کیفهای دیگران... نداری و نداشتن محسوس میشه... ماشینهای آخرین مدل که دم در مدرسه ها صف می کشند و بچه هائی که پشت در همون مدارس آدامس و چسپ زخم می فروشند...

فصول

<http://fzool.blogspot.com>

* تازه ترین اقدام فریبکارانه جناح محافظه کار رژیم تنگین اسلامی جناح راست رژیم منحط آخوندی در جدیدترین تاکتیک خود جهت ترغیب مردم ایران برای شرکت در انتخابات آتی دست به فریب تازه ای زده و با قبول صوری اشتباهات جناح راست در روزی نامه رسالت چنین مینماید که رجاله ها بر اشکالات پیشمار خود معترفند و در صدد رفع آنها برآمده اند. « امیر محبیان و ناصر ایمانی اعضای شورای سردبیری روزنامه محافظه کار رسالت از یادداشتهای جداگانه بعنوان عضوی سیاسی به مردم می نگرین، صراحتا به نقد گذشته این جناح پرداخته و اصلاح جدی آنرا خواستار شدند.» (منبع رسالت شنبه ۸ شهریور ۸۲)

«ایجاد تنش سیاسی، تنگ نظری دینی و میرا دانستن رهبری ازعیوب را می پذیریم.»

این دوستان غافل از آنند که دیر به ایستگاه رسیده اند و قطار مدتی است که حرکت کرده و رفته است. اینها که بجای خود حتی خاتمی و داروسته به اصطلاح اصلاح طلبش هم از قطار انقلاب مردم جا مانده اند و با این حقه ها و این ترفندهای کثیف هیچکس گول این رجاله ها را نمی خورد.

عدم شرکت در برنامه های رژیم، تحریم شروع انتخابات و اعلام عدم مشروعیت مردمی نظام منحط جمهوری اسلامی راهیست که ملت برای مبارزه با شب پرستان حاکم برگزیده اند و اشتباه کردم و غلط کردم و گه خوردم و توبه و غیره هم اثری در تصمیم راسخ ملت ندارد. صحبتهای اینچنینی ناصر ایمانی صفحه ۱۵

تلویزیون اترناسیونال

یکشنبه ها و جمعه

۵:۳۰ تا ۶:۳۰ عصر

به وقت تهران

ماهواره کانال یک

برنامه های تلویزیون اترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: wpi_tv@yahoo.com

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۲۱۲ ۵۰۳ ۰۰۱

طول موج جدید

رادیو اترناسیونال

رادیو اترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران به مدت نیم ساعت روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد. روزهای پنجشنبه و شنبه مدت برنامه های رادیو از ساعت ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه خواهد بود.

برنامه رادیویی سازمان

جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۳۰ تا ۹:۴۵

طول موج جدید رادیو اترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.

Payamgir radio:

+46 8 659 07 55

Tel: +44 771 461 1099

& +46 70 765 63 62

Fax: +44 870 129 68 58

radio7520@yahoo.com

www.radio-

international.org

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10

0031-613248331

0049 1632693033

0046 736 50 80 40

001 604 730 5566

0044 77 61 10 6683

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

fax:001 781 735 8359

bahram-modarresi@web.de

دانمارک:

هلند:

آلمان:

سوئد:

کانادا:

انگلاستان

ترکیه:

دبیر تشکیلات خارج:

دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی

مشاور دبیر: ثریا شهابی

شیوا فرهمند

مجیدپستنچی

نیز احمد زاده

آزاد خدردی

سامان احمدی

فرشاد پویا

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
حزب کمونیست کارگری ایران

mosaber@yahoo.com

مصطفی صابر

Tel: 001 604 730 5566

www.jawanan.org

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.wpiran.org

www.childrenfirstinternational.org

ازاین سایت ها دیدن کنید: